



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
الصلوة
والسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

وارثین خاندان وارث



نسخه ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانستنی های خانواده

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	دانشتیبهای خانواده
۸	مشخصات کتاب
۸	خانواده
۸	قرآن و خانواده
۹	حقوق خانواده
۱۱	اسباب اختلاف
۱۱	اختلافات خانوادگی
۱۱	اختلاف افکنی
۱۱	به تکلف افتادن
۱۱	به رخ کشیدن
۱۳	بازگو کردن های بیجا
۱۳	بد زبانی و تمسخر
۱۴	سوء ظن
۱۴	مراء وجدال
۱۴	بد حجابی و جلوه های نابجا
۱۶	توقعات بی جا
۱۶	بیکاری - سرگرمی سالم
۱۷	زخم زبان، توهین، تهمت
۱۷	شغل
۱۸	آرایش ها
۱۹	عدم اطاعت و پیروی
۱۹	چشم داشت به دیگران
۲۰	فرزند دختر

۲۰	بدگوئی
۲۰	عیب جوئی
۲۰	حسادت
۲۰	غرور و خود خواهی
۲۰	راه حل اختلاف
۲۰	پیش گیری
۲۲	دادگاه خانواده
۲۲	مستولیت والدین
۲۴	برخوردهای منطقی
۲۵	نمونه هایی از الگوهای خانواده
۲۷	رفتار متقابل دو همسر فداکار (حضرت زهرا و حضرت علی علیهما السلام)
۲۷	شرم و حیا در کنار همسر
۲۸	وفاداری و حمایت همیشگی از همسر
۲۹	تواضع و فروتنی حضرت زهرا (س) در مقابل همسر
۳۰	سازش با مشکلات و سختی ها در طول زندگی
۳۳	جهاد زن در راه خدا!
۳۶	ایثار در شوهرداری
۳۷	حفظ آبروی خانواده
۳۸	تقسیم کار در خانه
۴۰	عشق و علاقه شدید حضرت زهرا (س) به امیرالمؤمنین (ع)
۴۳	کار طاقت فرسای امیرالمؤمنین (ع) جهت امرار معاش
۴۴	رضایت فوق العاده امیرالمؤمنین (ع) از حضرت زهرا (س)
۴۵	استفاده از تجربه ی مشورت در زندگی
۴۶	تفریح و گفتگوهای دلنشین حضرت زهرا (س) و امیرالمؤمنین (ع)
۴۷	توصیه ی حضرت زهرا (س) به امیرالمؤمنین (ع) در ازدواج با امامه
۴۹	رفتار با فرزند

- انتخاب بهترین نام ها برای فرزندان ۴۹
- عقیقه دادن و گفتن اذان در گوش نوزاد ۵۰
- اظهار محبت نسبت به فرزندان ۵۰
- توجه به نیازهای کودکان ۵۳
- توجه به بازی و تحرک کودکان ۵۵
- استفاده از جاذبه شعر در تربیت کودکان ۵۶
- ارج نهادن به شخصیت فرزندان ۵۷
- توجه دادن فرزندان به رعایت نظم و حقوق دیگران ۶۰
- عدم تبعیض بین فرزندان ۶۱
- برخوردار نمودن فرزندان از عواطف پاک مادری ۶۴
- امید دادن به فرزندان در اجابت خواسته های مشروع ۶۴
- توجه به حضور و غیاب فرزندان ۶۶
- آموزش ایمان و تقوی به فرزندان ۶۷
- اشاره ۶۷
- تشویق فرزندان به مسائل دینی و عبادی ۶۸
- مأنوس نمودن فرزندان به مسجد و دقت در گفتار پیامبر (ص) ۶۹
- تعلیم فرزندان به نوع دوستی و رعایت حقوق همسایگان ۷۰
- توجه به سلامتی فرزندان ۷۱
- خلاصه ی درسهایی از برنامه های تربیتی حضرت زهرا (س) نسبت به فرزندان ۷۲
- یاد فرزندان در بستر شهادت ۷۳
- درباره مرکز ۷۵

دانستنیهای خانواده

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۸

عنوان و نام پدیدآور: دانستنیهای خانواده/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.

مشخصات نشر: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: خانواده-- اجتماعی

موضوع: جوان -- زندگی

موضوع: اجتماعی - عمومی

ص: ۱

خانواده

قرآن و خانواده

وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ [مريم / ٥٥].

وَ أَمُرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ [طه / ١٣٢].

قُلْ لِأَزْوَاجِكِ وَ بَنَاتِكِ [احزاب / ٥٩].

إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ [طور / ٢٦].

وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ [شعراء / ٢١٤].

إِذْ قَالَ لِنَبِيِّهِ [بقره / ١٣٣].

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ [لقمان / ١٧].

قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ [يوسف / ٥].

يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ [صافات / ١٠٢].

يَا بُنَيَّ لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ [يوسف / ٦٧].

فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَهُ [يونس / ٨٣].

حقوق خانواده

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) كلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ [جامع الأخبار، ص ١١٩].

الامير مسئول عن الرعيه الرجل مسئول عن اهله و المرثه راعيه على ولدها

فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَى النَّارِ هُدًى [طه / ١٠].

موسی در فکر آوردن نیازهای خانواده بود، اما خدا او را به نبوت رساند.

فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعَجَلٍ سَمِينٍ [ذاریات / ٢٦].

تلاش همسر ابراهیم برای تهیه غذا برای مهمان.

قَالَ الصَّادِقُ (ع) لَمَّا نَزَلَتْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا قَالَ النَّاسُ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ نَقِي أَنْفُسَنَا وَ أَهْلِيْنَا قَالَ
اعْمَلُوا الْخَيْرَ وَ ذَكِّرُوا بِهِ أَهْلِيكُمْ وَ ادَّبُوهُمْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ [دعائم الإسلام،

احترام به حقوق و مالکیت همسر: وَ آتُوا النِّسَاءَ صِدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً [نساء / ۰۴]

لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْتُمْ [نساء / ۰۳۲]

دوری از سخت گیری: يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ [رعد / ۰۲۱]

عفو و اغماض: وَ إِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ [شوری / ۰۳۷]

تحمل زخم زبان: وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا [فرقان / ۰۶۳]

خرج به مقدار توان: لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ [طلاق / ۰۷]

معاشرت معروف: عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ [نساء / ۰۱۹]

احترام متقابل: وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّهِ فَاَحْسِنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا [نساء / ۰۸۶]

حضور در اجتماع: فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ [آل عمران / ۰۶۱]

زنها وسیله انحراف و بهانه دست دشمن نشوند: يَذَّبِحْ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِ نِسَاءَهُمْ [قصص / ۰۴]

قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَ اسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ [غافر / ۰۲۵]

اسباب اختلاف

اختلافات خانوادگی

اختلاف افکنی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ عَمِلَ فِي فُرْقَةٍ بَيْنَ امْرَأَةٍ وَ زَوْجِهَا كَانَ عَلَيْهِ غَضَبُ اللَّهِ وَ لَعْنَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَرْضَخَهُ بِالْفِ صَيْخَرِهِ مِنْ نَارٍ وَ مَنْ مَشَى فِي فَسَادٍ مَا بَيْنَهُمَا وَ لَمْ يَفْرُقْ كَانَ فِي سَخَطِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَعْنَتِهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ حَرَّمَ (اللَّهُ عَلَيْهِ) النَّظَرَ إِلَى وَجْهِهِ [ثواب الأعمال، ص ۲۸۸]

به تکلف افتادن

برای خوشحال کردن اقوام و رفقای خود شوهرش را به زحمت نیندازد. رفقا و اقوام یک ساعت بیشتر با او نیستند ولی با شوهر آزرده زندگی دائمی مشکل خواهد بود.

به رخ کشیدن

۱ زن نباید در خانه جمال و مال خود را به رخ شوهرش بکشد و اگر این کار را کرد جز دوری و کینه شوهر

ص: ۳

بهره ای نمی برد.

۲ به مدرک، فامیل، شکل، مال، هنر و ... خود افتخار می کند و پز می دهد.

بازگو کردن های بیجا

لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ [نساء / ۱۴۸].

لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا [حجرات / ۱۲].

مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقِيتًا [نساء / ۸۵]

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَمَرَ بِسُوءٍ أَوْ دَلَّ عَلَيْهِ أَوْ أَشَارَ بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ [خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۳۸].

فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ [بقره / ۱۰۲].

بد زبانی و تمسخر

قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ [اسراء / ۵۳].

لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ [حجرات / ۱۱].

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ تُؤْذِيهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صِلَاتَهَا وَ لَا حَسَبَتَهُ مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُعِينَهُ وَ تُرْضِيَهُ وَ إِنْ صَامَتِ الدَّهْرَ وَ قَامَتْ وَ أَعْتَقَتِ الرِّقَابَ وَ أَنْفَقَتِ الْمَأْمُولَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ كَانَتْ أَوَّلَ مَنْ تَرَدُّ النَّارُ ثُمَّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ عَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ الْوِزْرِ وَ الْعَذَابِ إِذَا كَانَ لَهَا مُؤْذِيًا ظَالِمًا [أعلام الدين، ص ۴۱۴].

قَالَ الصَّادِقُ (ع): مَلْعُونَةٌ مَلْعُونَةٌ امْرَأَةٌ تُؤْذِي زَوْجَهَا أَوْ تَعُمُّهُ وَ سَيِّئَةٌ سَيِّئَةٌ امْرَأَةٌ تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَ لَمَّا تُؤْذِيهِ [كنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۴۹].

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ بَرِيئَانِ مِمَّنْ أَضْرَّ بِامْرَأَتِهِ حَتَّى تَخْتَلِعَ مِنْهُ [ثواب الأعمال، ص ۲۸۷].

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنْ أُتِعِجِبُ مِمَّنْ يَضْرِبُ امْرَأَتَهُ وَ هُوَ بِالضَّرْبِ أَوْلَى مِنْهَا [جامع الأخبار، ص ۱۵۸].

پیامبر (ص) می فرماید: حور العين به زنی که شوهرش را آزار

می دهد می گوید: خدا ترا بکشد. شما لیاقت این مرد را ندارید. به زودی از شما جدا شده و به سراغ ما می آید. [آیین همسراری، ص ۳۳].

سوء ظن

إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ [حجرات / ۱۲].

۱ چطور شد که نگذاشت نامه را بخوانم.

۲ چطور شد که حمام رفت.

۳ چطور شد که دیر آمد.

۴ چطور شد که ستایش فلانی را کرد.

۵ چطور شد که فلان زن از او ستایش کرد.

۶ چطور شد که به فلانی احترام کرد.

اختلافات خانوادگی، صفحه ۳

۷ چطور شد که نسبت به فامیل من سر سنگین است.

۸ چطور شد که به من خلاف گفت.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): إِيَّاكَ وَالتَّعَايِرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقَمِ وَالعَبْرِيَّةَ إِلَى الرَّيبِ [نهج البلاغه، نامه ۳۱].

مراء وجدال

پیغمبر: (ص) ضامن شده اند خانه ای را در بهشت: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَنَا زَعِيمٌ بِنَيْتٍ فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ وَ بِنَيْتٍ فِي وَسْطِ الْجَنَّةِ وَ بِنَيْتٍ فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ لِمَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كَانَ مُحِقًّا [توحيد صدوق، ص ۴۶۱].

بد حجابی و جلوه های نابجا

دلسردی مرد عامل فتنه است که منشأ این دلسردی چشم چرانی مرد از یک سو و آرایش آزاد زنان در خیابان ها از سوی دیگر و مقایسه کردن که مرد میان همسر خود با تمام زنانی که دیده است می تواند باشد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): وَ اكْفُفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ إِيَاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَّ وَ لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ

إِذْخَالِكَ مَنْ لَأ يُوْتَقُ بِهِ عَلَيِهِنَّ [نهج البلاغه، نامه ٣١].

مرد نباید هر مردی را به هر عنوان به خانه آورد.

قَالَ الصَّادِقُ (ع): مَا يَأْمَنُ الَّذِينَ يَنْظُرُونَ فِي أَذْبَارِ النِّسَاءِ أَنْ يَبْتَلَوْا بِذَلِكَ فِي

ص: ٥

نِسَائِهِمْ [من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۹].

قَالَ الصَّادِقُ (ع): أَيَّمَا امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ لِغَيْرِ زَوْجِهَا لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا صِلَاءٌ حَتَّى تَغْتَسِلَ مِنْ طَيِّبِهَا كَغُسِّهَا مِنْ جَنَابَتِهَا [كافی، ج ۵، ص ۵۰۷].

فَلَا تَخْضَعَنَّ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ [احزاب / ۳۲].

وَلَا يَضْرِبَنَّ بِأَرْجُلَيْهِنَّ لِيَعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ [نور / ۳۱].

توقعات بی جا

پیامبر (ص): هر زنی که ناسازگاری کند و شوهرش را بر چیزهایی که فوق توانایی اوست وادار کند، اعمالش مورد قبول نیست و در قیامت مورد غضب خداست. [آیین همسر داری، ص ۴۷].

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ وَلَمْ تُوَافِقْهُ وَ لَمْ تَصْبِرْ عَلَى مَا رَزَقَهُ اللَّهُ وَ شَقَّتْ عَلَيْهِ وَ حَمَلَتْهُ مَا لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهَا حَسَنَةً تَتَّقِي بِهَا النَّارَ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا مَا دَامَتْ كَذَلِكَ [ثواب الأعمال، ص ۲۸۷].

بیکاری - سرگرمی سالم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): نِعَمَ اللَّهُ الْمَغْزَلُ لِلْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ [علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۸۲].

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَا تُنْزِلُوا النِّسَاءَ الْعُرْفَ وَ لَا تُعَلِّمُوهُنَّ الْكِتَابَةَ وَ عَلِّمُوهُنَّ الْعَزْلَ وَ سُورَةَ النُّورِ [الجعفریات، ص ۹۷].

ام اسلمه از رسول خدا (ص) درباره خدمت زن در خانه پرسید؛ فرمودند: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْعِلُوا فِيهِ بَرِّقٍ وَ لَا تُكْرَهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَى عِبَادِ اللَّهِ فَتَكُونُوا كَالرَّاكِبِ الْمُتَبَتِّ الَّذِي لَا سَفْرًا قَطَعَ وَ لَا ظَهْرًا أَبْقَى [كافی، ج ۲، ص ۸۶].

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَيَّمَا امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَلَاحًا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا وَ مَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا لَمْ يَعْذِبْهُ [أمالی صدوق، ص ۴۱۱].

قَالَ الْبَاقِرُ (ع): إِنَّ فَاطِمَةَ (ع) ضَمِنَتْ لِعَلِيٍّ (ع) عَمَلَ الْبَيْتِ وَ الْعَجِينَ وَ الْخُبْزَ وَ قَمَّ الْبَيْتِ وَ

ص: ۶

ضَمِنَ لَهَا عَلِيٌّ (ع) مَا كَانَ خَلْفَ الْبَابِ نَقْلَ الْحَطَبِ وَ أَنْ يَجِيءَ بِالطَّعَامِ [تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۱].

فاطمه (س) از رسول الله ص تقاضای خادمه کرد، فرمود: می ترسم از پاداش کار در خانه باز بمانی

یا فاطمه! إني لا أريد أن ينفك عنك أجرک إلى الجاریه [المناقب، ج ۳، ص ۳۴۱].

زخم زبان، توهین، تهمت

اختلافات خانوادگی، صفحه ۴

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ [همزه / ۰۱]

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ [انعام / ۱۰۸].

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ قَذَفَ امْرَأَتَهُ بِالزَّنَاءِ خَرَجَ مِنْ حَسَنَاتِهِ كَمَا تَخْرُجُ الْحَيَّةُ مِنْ جِلْدِهَا وَ كَتَبَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى بَدَنِهِ أَلْفٌ خَطِيئَةٌ [جامع الأخبار، ص ۱۵۷].

قَالَ الصَّادِقُ (ع): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ مَنْ أَهَانَ لِي وَ لِيَا فَقَدْ أَزْصَدَ لِمَحَارَبَتِي وَ أَنَا أَسْرَعُ شَيْءٍ إِلَى نُصْرَةِ أَوْلِيَائِي [كافی، ج ۲، ص ۳۵۱].

شغل

زن ها معمولاً شوهری دوست دارند که؛

۱ در وطن باشد.

۲ هر شب بیاید.

۳ اول شب بیاید.

۴ ایام فراغت داشته باشد.

۵ شب نشینی و گردش و تفریح بروند.

۶ شغل تمیز، آبرومند و پردرآمد داشته باشد.

این خواسته مطابق اصل فرد و اصل رفاه است، اما اصل جامعه اصل خدمت و اصل رشد می گوید: افراد باید همت کنند. مرزبان و کشیک باشند، از سود و تمیزی بگذرند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): اغسلوا ثيابكم و خذوا من شعوركم و استاكوا و تزينوا و تنظفوا فان بنى اسرائيل لم يكونوا يفعلون ذلك
فزنت نسائهم [نهج الفصاحه، جمله ۳۷۸].

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ جَهْمٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) اخْتَضَبَ فَقُلْتُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ اخْتَضَبْتَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ إِنَّ التَّهْيِئَةَ مِمَّا يَزِيدُ فِي عِفِّهِ
النِّسَاءِ وَ لَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءَ

الْعِفَّةَ بِتَرْكِ أَزْوَاجِهِنَّ التَّهْيِئَةَ [کافی، ج ۵، ص ۵۶۷].

زنی به نزد پیامبر (ص) رفته و گفت که شما فرموده اید که زن در منزل برای مردش آرایش کند، لیکن شوهر من نابیناست. حضرت فرمود: شما عطر بزیند تا شوهرتان بوی عطر را استشمام کند.

عدم اطاعت و بیروی

۱ نپذیرفتن عذر و عدم گذشت: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَا تَقْبَلُ مِنْهُ عُذْرًا وَلَا تَغْفِرُ لَهُ ذَنْبًا [کافی، ج ۵، ص ۳۲۵].

الْحَصَانُ مَعَهُ إِذَا حَضَرَ لَا تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَلَا تُطِيعُ أَمْرَهُ وَإِذَا خَلَا بِهَا بَعْلُهَا تَمَنَعَتْ مِنْهُ كَمَا تَمَنَعُ الصَّعْبَةُ عَنْ رُكُوبِهَا لَا تَقْبَلُ مِنْهُ عُذْرًا وَلَا تَغْفِرُ لَهُ ذَنْبًا

۲ در فامیل خوار، در خانه شوهر مستکبر: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَلَمَّا أُخْبِرُكُمْ بِشَرَارِ نِسَائِكُمُ الدَّلِيلَةَ فِي أَهْلِهَا الْغَزِيرَةَ مَعَ بَعْلِهَا الْعَقِيمِ الْحَقُودِ الَّتِي لَا تَوْرَعُ مِنْ قَبِيحِ الْمُتَبَرِّجِ إِذَا غَابَ عَنْهَا بَعْلُهَا [کافی، ج ۵، ص ۳۲۵].

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَلُودُ الْوُدُودُ الْعَفِيفَةُ الْغَزِيرَةُ فِي أَهْلِهَا الدَّلِيلَةَ مَعَ بَعْلِهَا الْمُتَبَرِّجِ مَعَ زَوْجِهَا الْحَصَانُ عَلَى غَيْرِهَا الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَتُطِيعُ أَمْرَهُ وَإِذَا خَلَا بِهَا بَدَلَتْ لَهُ مَا يَرِيدُ مِنْهَا وَلَمْ تَبْدُلْ كَتَبَدُّلِ الرَّجُلِ [کافی، ج ۵، ص ۳۲۴].

۳ ترک آرایش برای یکدیگر: امام صادق (ع) می فرماید: زن نباید آرایش را ترک کند، گرچه به یک گردن بند باشد [آیین همسرداری، ص ۱۵۳].

قَالَ الْبَاقِرُ (ع): لَا يَتَّبِعِي لِلْمَوَاهِ أَنْ تُعْطَلَ نَفْسُهَا وَ لَوْ تَعَلَّقَتْ فِي عُنُقِهَا قِلَادَةً [کافی، ج ۵، ص ۵۰۹].

۴ نپذیرفتن مدیریت: الرِّجَالُ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ [نساء / ۳۴].

چشم داشت به دیگران

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى امْرَأَةٍ ذَاتِ بَعْلٍ مَلَأَتْ عَيْنَهَا مِنْ غَيْرِ زَوْجِهَا [أعلام الدين، ص ۴۱۷].

اختلافات خانوادگی، صفحه ۵

قَالَ

ص: ۸

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): مَنْ أَطْلَقَ نَاطِرَهُ أَتَعَبَ خَاطِرَهُ مَنْ تَتَابَعَتْ لِحَظَاتُهُ دَامَتْ حَسْرَاتُهُ [جامع الأخبار، ص ۹۳].

فرزند دختر

مردان ناجوری هستند که به خاطر این که همسرشان دختر می آورد، زندگی را تلخ قرار می دهند.

بدگوئی

وَ آتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا [نساء / ۲۰].

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ [نساء / ۱۹].

در جاهلیت به سراغ دختران ثروتمند می رفتند به امید این که یا بگیرند و مردان وارث شوند یا آنان را در معضلات قرار دهند و زنان حاضر شوند قسمتی از مهریه را پس دهند.

عیب جوئی

به رسول خدا (ص) گفته شد، فلانی زن خوبی است. روزها روزه و شب ها عبادت می کند. لکن بد اخلاق و بد زبان است. فرمود: او هیچ خوبی ندارد و از اهل دوزخ است [آیین همسر داری، ص ۴۱].

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَيُّمَا امْرَأَةٍ آذَتْ زَوْجَهَا بِلِسَانِهَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا صِرْفًا وَلَا عِدْلًا وَلَا حَسِينَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُرْضِيَهُ [أمالی صدوق، ص ۴۲۹].

حسادت

۲۰. کتمان درگیری ها

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَا يَسْتَلِ الرَّجُلُ فِيمَا ضَرَبَ امْرَأَتَهُ [سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۴۶].

غرور و خود خواهی

پوشاندن گلایه ها راه حل نیست.

حق انتقاد و حق دفاع، نشانه رشد و آزادی و سلامت محیط است.

غرور و خودخواهی مانع حل اختلافات است.

راه حل اختلاف

پیش گیری

۱ آشنا بودن زن و شوهر به مسائل خانوادگی و آشنا نبودن آنها به روحیات یکدیگر و عدم دقت در گزینش همسر مناسب و همرنگ (کفو) بخشی از عوامل اختلافات است. ای کاش برای پسران و دخترانی که در صدد ازدواج هستند کلاس هایی به

ص: ۹

عنوان آموزش ازدواج و آیین همسررداری تشکیل می شد.

۲ بازگو کردن اسرار زندگی با یکدیگر. وَ إِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ [تحریم / ۰۳]

دادگاه خانواده

وَ إِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يَرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقُ اللَّهُ بَيْنَهُمَا [نساء / ۰۳۵]

مزایای دادگاه خانواده در اسلام:

۱ فوری

۲ مجانی

۳ مکتوم

۴ بدون مرخصی، اضافه کار، ساعت معین و بازپرس

۵ کشف عوامل به طور دقیق

۶ قبل از وقوع شقاق اقدام کنید «خِفْتُمْ»

۷ زن و شوهر یکی هستند «شِقَاق»

اختلافات خانوادگی، صفحه ۶

۸ هر دو در انتخاب داور مساوی هستند.

مسئولیت والدین

۱ دعا: رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي [ابراهیم / ۰۴۰]

۲ غذای حلال: قَالَ الصَّادِقُ (ع): كَسْبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذُّرِّيَةِ [کافی، ج ۵، ص ۱۲۴].

۳ غذای کامل: وَ الْوَالِدَاتُ يَرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ [بقره / ۰۲۳۳].

۴ آموزش: عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ

۵ موعظه: قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ [لقمان / ۱۳].

۶ عدالت:

۷ تزویج: إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكَحَكَ [قصص / ۲۷].

۸ پایداری در تربیت: وَ أَمُرُ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا [طه / ۱۳۲].

۹ غافل نشدن از حق: لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ [منافقون / ۹].

وظیفه پدر و مادر به نده پروری است نه بچه پروری: تَفَاخَرُ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرُ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ [حدید / ۲۰].

نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا [سبأ / ۳۵].

لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ

ص: ۱۰

برخوردهای منطقی

قَالَ الصَّادِقُ (ع): خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي إِنْ غَضِبَتْ أَوْ أَعْزَبَتْ قَالَتْ لِرُؤُوسِهَا يَدِي فِي يَدِكَ لَا أَكْتَحِلُ بِغُمْضٍ حَتَّى تَرْضَى عَنِّي [من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۹].

قَالَ الصَّادِقُ (ع): خَيْرُ نِسَائِكُمُ الطَّيْبَةُ الرِّيحِ الطَّيْبَةُ الطَّبِيخِ الَّتِي إِذَا أَنْفَقَتْ أَنْفَقَتْ بِمَعْرُوفٍ وَإِذَا أَمْسَكَتْ أَمْسَكَتْ بِمَعْرُوفٍ فِتْلِكَ عَامِلٌ مِنْ عَمَالِ اللَّهِ وَ عَامِلُ اللَّهِ لَا يَخِيبُ وَ لَا يَنْدُمُ [كافی، ج ۵، ص ۳۲۵].

فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا [نساء / ۱۹].

قَالَ الصَّادِقُ (ع): خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي إِنْ أُعْطِيَتْ شَكَرَتْ وَ إِنْ مُنِعَتْ رَضِيَتْ [مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۱].

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع): أَشْكُرُكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرُكُمْ لِلنَّاسِ [كافی، ج ۲، ص ۹۹].

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع): وَ أَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ [صحیفه سجادیه، دعای ۲۰].

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا [كافی، ج ۵، ص ۵۶۹].

قَالَ الصَّادِقُ (ع): مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ أَشْكُرُ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَ أَنْعَمَ عَلَيَّ مَنْ شَكَرَكَ [كافی، ج ۲، ص ۹۴].

قَالَ الصَّادِقُ (ع): لَعَنَّ اللَّهُ قَاطِعِي سَبِيلِ الْمَعْرُوفِ قَبِيلَ وَ مَا قَاطِعُوا سَبِيلَ الْمَعْرُوفِ؟ قَالَ: الرَّجُلُ يَضَعُ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفَ فَيَكْفُرُهُ فَيَمْتَنِعُ صَاحِبُهُ مِنْ أَنْ يَضَعَ ذَلِكَ إِلَيْ غَيْرِهِ [كافی، ج ۴، ص ۳۳].

هر کس به مسلمانی آفرین بگوید خداوند متعال تا قیامت برایش آفرین می نویسد. [آیین همسرداری، صفحه ۳۶۳].

قَالَ الصَّادِقُ (ع): مَنْ قَالَ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ مَرْحَبًا كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ مَرْحَبًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ [كافی، ج ۲، ص ۲۰۶].

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَتَعَاَفَوْا يَعِزَّكُمْ اللَّهُ [كافی، ج ۲، ص ۱۰۸].

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): عَلَيْكَ بِالرَّفْقِ وَ الْعَفْوِ فِي غَيْرِ تَرْكٍ لِلْحَقِّ [تحف العقول، ص ۲۵].

آلِ الْبَائِرِ (ع): النَّدَامَةُ عَلَى الْعَفْوِ أَفْضَلُ وَ أَيْسَرُ مِنَ النَّدَامَةِ عَلَى الْعُقُوبَةِ [کافی، ج ۲، ص ۱۰۸].

قَالَ الصَّادِقُ (ع): مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَ لَوْ شَاءَ أَنْ يَمْضِيَهُ أَمْضَاهُ أَمَلًا اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رِضَاهُ [کافی، ج ۲، ص ۱۱۰].

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ وَ احْتَسَبَ بِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ (بِكُلِّ مَرَّةٍ) يَصْبِرُ عَلَيْهَا مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا أُعْطِيَ أَيُّوبَ عَلَى بَلَائِهِ [ثواب الأعمال، ص ۲۸۷].

اختلافات خانوادگی، صفحه ۷

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا أَعْطَاهَا اللَّهُ مِثْلَ ثَوَابِ آسِيَةِ بِنْتِ مِزَاحِمٍ [مکارم الأخلاق، ص ۲۱۳].

إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا [نساء / ۸۶]

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ [الرحمن / ۶۰].

اصل اختلاف سلیقه و تضارب افکار رمز شکوفایی استعدادها و روشن شدن نقاط ضعف و قوت است.

وَ لَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِإِيمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَ تَتَّقُوا وَ تَصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ [بقره / ۲۲۴].

خدا را در بعضی سوگندهای خود قرار ندهید. برای اصلاح نیکوکاری سوگند بی تفاوت بودن یاد نکنید.

میان داماد و دختر عبد الله بن رواحه یکی از یاران پیامبر اکرم (ص) اختلاف شد. او سوگند یاد کرد که برای اصلاح دخالت نکند. آیه نازل شد که این سوگندها بی اثر است. [نمونه، ج ۲، ص ۹۹].

امام صادق (ع) بودجه ای در اختیار مفضل برای حل اختلافات مردم قرار داد.

نمونه هایی از الگوهای خانواده

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ [احزاب / ۲۱].

در هوای گرم حضرت علی (ع) وارد منزل شد و دید زنی لب در خانه ایستاده و می گوید: إِنَّ زَوْجِي ظَلَمَنِي وَ أَخَافَنِي وَ تَعَدَّى عَلَيَّ وَ حَلَفَ لِيُضْرِبَنِي فرمود: صبر کن تا هوا خنک شود، برویم به سراغ

ص: ۱۲

او. خانم گفت: يَشْتَدُ غَضَبُهُ وَ حَرَدُهُ عَلَى فَطَاطًا رَأْسَهُ ثُمَّ رَفَعَهُ وَ هُوَ يَقُولُ لَأَ وَاللَّهِ أَوْ يُوْخَذَ لِلْمَظْلُومِ حَقَّهُ غَيْرَ مُنْتَعِعٍ [اختصاص مفید، ص ۱۵۷].

در همان روز داغ به در خانه شوهر رفتند. مرد از خانه بیرون آمد و آقا را شناخت، ولی گفت: مَا أَنْتَ وَ ذَاكَ وَاللَّهِ لَأُخْرِقَنَّهَا لِكَلَامِكَ [اختصاص مفید، ص ۱۵۷].

حضرت فرمود: أَمْرُكَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَاكَ عَنِ الْمُنْكَرِ تَسْتَقْبِلُنِي بِالْمُنْكَرِ وَ تُنْكَرُ الْمَعْرُوفَ [اختصاص مفید، ص ۱۵۷].

مردم کم کم آمدند به حضرت با جمله یا امیرالمؤمنین خطاب کردند. شوهر همین که آقا را شناخت، روی پای آقا افتاد و عذرخواهی کرد. حضرت شمشیرش را غلاف کرد و به زن فرمود: يَا أُمَّةَ اللَّهِ ادْخُلِي مَنْزِلَكَ وَ لَا تُلْجِئِي زَوْجَكَ إِلَى مِثْلِ هَذَا وَ شِبْهِهِ [اختصاص مفید، ص ۱۵۷].

همین که یوسف در جلسه مهمانی دید که برادرانش شرمنده هستند، فرمود: این شما بودید که مرا به عزیزی رساندید.

شخصی به امام حسن مجتبی (ع) ناسزا گفت، ولی امام به او لباس و مرکب و مال داد و او عوض شد.

فقیر همین که دید در مسجد کسی به او پول نداد. آب دهان به ریش کاشف الغطاء پرتاب کرد، ولی آقا پا شد و فرمود: هر کس ریش مرا دوست دارد به فقیر کمک کند.

حضرت یعقوب (ع) فرمود: ای یوسف! حالا- بگو برادرها با تو چه کردند؟ عرض کرد؛ پدر جان این را نپرسید، بلکه پرس لطف خدا با تو چه کرد؟ وَ قَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ [یوسف / ۱۰۰].

إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَ أَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَآخِذُوا بِهِمْ وَ إِنْ تَعَفَوْا وَ تَصَفَّحُوا وَ تَغَفَرُوا فَإِنَّ

وَإِنَّ امْرَأَهُ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ [نساء / ۱۲۸].

رفتار متقابل دو همسر فداکار (حضرت زهرا و حضرت علی علیهما السلام)

شرم و حیا در کنار همسر

حیا دو گونه است: یکی پسندیده و دیگری ناپسند. حیا ناپسند آن حالتی است که انسان را از رشد، کمال یابی و رسیدن به حقوق بازمی دارد و یا باعث تزییع حقوق دیگری می گردد. چنین صفتی در روایات اسلامی به شدت تقبیح گردیده است... و همچنین در آداب همسررداری آمده است که حیا دو گونه متصور است: یکی مطلوب، دیگری مذموم و نامطلوب. حیا مذموم آن حالتی است که یکی از زوجین را در استیفای حقوق طرف مقابل بازدارد و قید و بندی شود در مسائل زوجیت و سایر امور مربوطه... و لذا حضرت امام باقر (ع) می فرمایند:

زن خوب، زنی است که در خلوت با شوهرش، حیا را نیز از تنش خارج کند، و سپس در شرایط عادی، حیا را نیز مانند لباس به اندامش بپوشاند.

حضرت فاطمه (س) در طول مدت شوهررداری خود با امیرالمؤمنین (ع)، در هیچ فرصتی حریم آن حضرت را نادیده نگرفت و در مورد شخصیت آن بزرگوار کوتاهی نکرد. تا جایی که امیرالمؤمنین در این باره می فرمایند:

«فوالله ما اغضبته... و لا اغضبته و لاعصت لی امرأ و لقد كنت انظر اليها فتتكشف عني الهموم والاحزان.»

سوگند به خدا زندگی با صفای من و فاطمه (س) طوری بود که نه من او را به خشم آوردم و نه او مرا به خشم آورد و نافرمانی کرد، حتی غصه های دیگرم با حضور او و تماشای جمالش برطرف

می گردید.

این حدیث شریف که از دل آتشین علی (ع) در فراق فاطمه (س) برخاسته است، نشان می دهد که دختر رسول خدا (ص) تا چه میزانی در اطاعت شوهر بود و کوچکترین اسائه ی ادب از او دیده نشد.

در جای دیگری از امیرالمؤمنین می خوانیم که آن حضرت زن و بچه هایش را در وضع بسیار اسفناک گرسنگی دید، به فاطمه (س) گفت: چرا از وضع خود و درد گرسنگی بچه هایم مرا آگاه نساخته ای؟ فاطمه (س) در جواب فرمودند:

«یا ابالحسن! انی لاستحیی من الهی ان اکلفک ما لاتقدر علیه!»

یا ابالحسن (ع)! من از خدایم شرم و حیا می کنم تو را به کاری بگمارم که قدرت تهیه آن را نداری.

اگر چه تأمین رفاه زندگی زن و بچه برای شوهر در حدّ معمول واجب است، ولی روح ایثارگری خاندان رسالت و ولایت در تمام ابعاد زندگی، باعث شده بود که خانواده ی امیرالمؤمنین (ع) پیوسته در فقر و پریشانی بسر برند و لذا فاطمه (س) از وضع مالی شوهرش آگاه بود، و می دانست که وی قدرت تهیه مایحتاج خانه را ندارد. از این جهت شرم و حیای حضرت فاطمه (س) که از ایمان و اعتقاد او به خدا سرچشمه می گرفت می گوید:

«من از خدایم شرم می کنم ...»

این درسی است به تمام بانوان محترم که گرفتار زرق و برق و تشریفات کمرشکن روزگار فاجعه آمیز ما نگردند و درآمد و امکانات شوهرانشان را مراعات کنند ...

وفاداری و حمایت همیشگی از همسر

فاطمه ی زهرا (س) در خانه ی یکی از افراد عادی اجتماع زندگی نمی کرد، بلکه در خانه ی دومین شخص اسلام؛ یعنی سپهسالار شجاع و نیرومند اسلام و

ص: ۱۵

وزیر و مشاور مخصوص نبی گرامی (ص) زندگی می کرد. موقعیت حساس اسلام و شوهرش را بخوبی درک می کرد و می دانست که اگر شمشیر علی (ع) نباشد، اسلام چندان پیشرفتی ندارد. فاطمه (س) در یکی از مواقع بسیار حساس و بحرانی اسلامی در خانه ی علی (ع) زندگی می کرد. سپاه اسلام همیشه در حال آماده باش بود. در هر سال چندین جنگ واقع می شد و علی بن ابی طالب (ع) در تمام یا اکثر آن جنگها شرکت داشت.

زهرای عزیز از مسئولیت سنگین و حساس خودش خبر داشت و از حدود تأثیر و نفوذ زن در روحیه ی شوهر کاملاً مطلع بود. می دانست که زن دارای چنان نفوذ و قدرتی است که به

هر طرف خواست شوهرش را می برد. می دانست که ترقی، عقب ماندگی، سعادت و بدبختی مرد تا حدّ زیادی، به روحيات و چگونگی رفتار زن بستگی دارد. خبر داشت که خانه به منزله ی سنگر و آسایشگاه مرد است و وقتی از میدان مبارزات زندگی، برخورد با حوادث و مشکلات دنیای خارج خسته شد، به آنجا پناه می برد تا تجدید نیرو کند و خودش را برای کار و انجام وظیفه آماده نماید و ریاست این آسایشگاه مهم به عهده ی زن واگذار شده است.

تواضع و فروتنی حضرت زهرا (س) در مقابل همسر

تواضع حضرت زهرا (س) در خانه ی حضرت علی (ع) و احترام او به حضرت علی (ع) در حدی بود که وقتی ماجرای فشار بین در و دیوار و بستری شدن حضرت زهرا (س) در رابطه با مخالفت او با خلفا رخ داد، عمر و ابوبکر چندین بار از حضرت علی (ع) تقاضا کردند تا واسطه شود، که آنها به حضور حضرت زهرا (س) بیایند و احوالپرسی

کنند و رضایت او را به دست آورند، سرانجام علی (ع) ضامن شد که آنها را نزد فاطمه (س) ببرد.

حضرت علی (ع) نزد فاطمه (س) آمد و تقاضای آنها را مطرح کرد، ولی فاطمه (س) به شدت این تقاضا را رد کرد، حضرت علی (ع) فرمود: من از طرف آنها ضامن شده ام که از تو اجازه بگیرم.

در این هنگام حضرت زهرا (س) در برابر علی (ع) - در چنان شرایطی - آن چنان تواضع کرد که گفت: «اگر از طرف آنها چیزی را ضامن شده ای، خانه خانه ی توست و من در هیچ چیز با رأی تو مخالفت نمی کنم».

البته وقتی آنها وارد شدند حضرت جواب سلام آنها را ندادند و از آنها روی بر گرداندند و فرمودند: خدا را شاهد می گیرم از این دو نفر راضی نیستم.

سازش با مشکلات و سختی ها در طول زندگی

رسول خدا (ص) فرموده اند از برکات اخلاقی و فکری زن خوب این است که هزینه و مخارجش کم باشد،

و در اداره ی خانه و صرفه جویی در مصرف، یاور و همکار شوهر به حساب آید.

تمام این ویژگیها در وجود مبارک حضرت زهرا (س) جمع بود و آن حضرت با مدیریت لازم و با صبر و بردباری، همه ی تلخیها را به کام علی (ع) شیرین می کرد و در برابر مشکلات مالی عقب نشینی نمی نمود.

حضرت علی (ع) می فرمایند:

«تزوجت فاطمه (س) و ما کان لی فراش، و صدقتی الیوم لو قسمت علی بنی هاشم لو سعتهم.»

من در حالی با حضرت زهرا (س) ازدواج کردم، که زیراندازی در خانه نداشتم، در حالی که در همان تاریخ احسان و بخشش من به نیازمندان به قدری زیاد بود

که اگر به بنی هاشم تقسیم می شد همه ی آنان را غنی و بی نیاز می کرد.

این حدیث نشان می دهد که فاطمه (س) دختر پیامبر (ص) با چه مشکلاتی در خانه علی (ع) دست و پنجه نرم کرده و خم به ابرو نیاورده است.

و در یک روایت دیگر از طریق امام صادق (ع) از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده که: روزی رسول خدا (س) به خانه دخترش فاطمه (س) وارد شد، ولی زهرا (س) را در حالتی دید، که در نتیجه چشمان مبارکش پر از اشک گردید، زیرا لباس آن حضرت بسیار نامناسب بود. زهرا با آن وضع از یک طرف مشغول آرد کردن جو و تهیه ی نان و از طرف دیگر به بچه اش شیر می داد، پیامبر الهی (ص) فرمودند:

ای دختر عزیزم! اینگونه تلخی ها را در دنیا برای رسیدن به پاداش و شیرینیهای اُخروی پذیرا باش و صبر و بردباری را از دست نده. آن بانوی گرامی اسلام گفتند:

«یا رسول الله الحمد لله على نعمائه، والشكر على آلائه فانزل الله تعالى □ و لسوف يعطيك ربك فترضى.»

ای رسول خدا (ص)! سپاس خدایی را که نعمتهایش را ارزانی داشته و باز شکر در برابر عطایای بی پایان الهی. در این حال این آیه نازل شد که: ای پیامبر (ص)! ما آن قدر پاداش خواهیم داد که راضی شوی.

این حدیث و قضیه ی تاریخی نشان می دهد که فاطمه (س) دختر رسول خدا (ص) در برابر مشکلات و نارساییهای مالی هیچ گونه تغییری نداشت و سپاس الهی را به جا می آورد.

حضرت زهرا (س) در کنار سایر تحملات خود در برابر سختیها، روزهای زیادی را به گرسنگی

گذرانید، ولی دردش را به کسی نگفت و حتی به رخ علی (ع) نیاورد و تا دم مرگ و شهادت چیزی از شوهر درخواست نکرد.

دختر پیامبر (ص) در خانه ی مولی علی (ع) با سختیها انس گرفت و درد گرسنگی چشید، بچه هایش را نیز با این روش عادت داد، تا رنگ رخسارشان از ناتوانی و گرسنگی زرد شد ...

حضرت امام باقر (ع) از جابر بن عبدالله انصاری نقل می کنند که روزی پیامبر خدا (ص) وارد خانه ی دخترش شد و پس از سلام و احوالپرسی فرمود:

«مالی اری وجهک اصفر؟ قالت: یا رسول الله! الجوع ...»

چرا رنگ رخسارت این قدر پریده است؟ فاطمه (س) گفت: ای پیامبر خدا (ص)! از گرسنگی به این حالت افتاده ام ...

این حدیث نشان می دهد که وضع فاطمه ی زهرا (س) از گرسنگی به جایی رسیده بود، که رنگ رخسارش تغییر یافته بود، و پدر بزرگوارش با دیدن او نگران گردیده و از عوامل پریشانی درونی و تغییر چهره سؤال نموده است.

و از سوی دیگر می دانیم که آن بانوی عزیز اسلام تا به یک حالت اضطراری نمی رسید، گرسنگی خود را حتی به پدرش رسول گرامی اسلام (ص) نیز نمی گفت.

در یک داستان دیگر آمده است: پیامبر الهی روزی به خانه علی بن ابیطالب (ع) آمد، تا با فرزندانش دیدار کند، در این هنگام با امام حسن و امام حسین (ع) ملاقات نمود، آنان زبان به شکوه باز کردند و گفتند: ای رسول خدا (ص)! به مادرمان بسپار که به ما غذا دهد و ما را گرسنه نگه ندارد. رسول خدا (ص) که خود در

این حال از درد گرسنگی سنگ به شکمش بسته بود، به فاطمه (س) گفت:

اطعمی ابنی قالت: «ما فی بیتی شیء الا برکه رسول الله...»

به بچه های من طعام ده. زهرا (س) گفت: در خانه ام چیزی جز برکت شما نیست ...

چون پیامبر خدا (ص) سخن زهرا (س) را شنید، با آب دهانش بچه ها را به بازی گرفت و مشغول کرد و از این طریق آنان را به خواب شبانه وادار ساخت ...

از این حدیث نیز استفاده می کنیم که فاطمه ی زهرا (س) در طول خانه داریش چه روزگار سختی را گذرانیده و گرسنگی را برای خود و فرزندانش پذیرا گشته است.

جهاد زن در راه خدا!

موسی بن جعفر (ع) می فرماید: جهاد زن این است که خوب شوهرداری کند.

حضرت زهرا (س) می دانست که سپهسالار نیرومند و شجاع اسلام در صورتی در میدان نبرد پیروز می گردد که از جهت اوضاع داخلی خانه، فکرش آزاد و از تشویقات و مهربانی های همسرش دلگرم باشد. از این رهگذر می توان گفت: هنگامی که سپهسالار فداکار اسلام یعنی علی بن ابی طالب (ع) با تنی خسته و کوفته، از میدان نبرد به خانه بازمی گشت از مهربانی ها، دلگرمی ها و نوازش های همسر عزیزش کاملاً برخوردار می شد. زخم های تنش را مداوا می کرد. لباس های خون آلود جنگ را می شست و خبرهای جنگ را از او می شنید.

فاطمه (س) زنی نبود که در گوشه منزل به ادامه زندگی داخلی مشغول باشد و از حوادث و اوضاع مربوط به اسلام بی تفاوت بگذرد. بلکه از گوشه و کنار تاریخ، استفاده می شود که در جریان امور مربوط به اسلام بوده و بالأخص به حوادث جبهه و جنگ کاملاً

عنایت داشته است. نه تنها پدر و شوهرش را تشویق می نموده بلکه در مواقع لزوم در صحنه حضور داشته و کارهایی را انجام می داده است.

در تاریخ نوشته اند: بعد از جنگ احد، وقتی فاطمه (س) صورت خون آلود پدر را دید او را در بغل گرفته، گریه می کرد و خونها را از چهره پدر پاک می کرد. امیرالمؤمنین (ع) آب آورد و فاطمه صورت پدر را می شست، ولی خون قطع نمی شد، سرانجام فاطمه (س) قطعه حصیری را سوزاند و خاکسترش را روی زخم ریخت تا خون قطع شد.

نوشته اند وقتی رسول خدا (ص) از جنگ احد برگشت شمشیرش را به فاطمه (س) داد و فرمود: خون هایش را بشوی.

علی بن ابی طالب (ع) نیز شمشیرش را به فاطمه (س) داد و فرمود: خون هایش را بشوی.

فاطمه (س)، همیشه شوهرش را تحسین و تشویق می کرد، فداکاری ها و شجاعت هایش را می ستود، بدینوسیله دلش را گرم و برای جنگ آینده آماده اش می نمود و به وسیله ی نوازشهای بی شائبه، تن خسته و جراحات بدنش را تسکین می داد.

علی (ع) می فرماید: وقتی به خانه می آمدم و به زهرا (س) نگاه می کردم تمام غم و غصه هایم برطرف می شد.

فاطمه (س) هرگز بدون اجازه علی (ع) از خانه خارج نشد. هیچگاه او را غضبناک نکرد. زیرا می دانست که اسلام می گوید: هر زنی که شوهرش را غضبناک کند خدا نماز و روزه اش را قبول نمی کند تا این که شوهرش راضی شود.

فاطمه (س) در خانه ی علی (ع) هرگز دروغ نگفت، خیانت نکرد و هیچگاه از دستوراتش سرپیچی ننمود. علی (ع) می فرماید: به خدا سوگند هرگز کاری نکردم که فاطمه (س) غضبناک شود. فاطمه (س) هم هیچگاه مرا

خشمناک ننمود.

پاکدامنی و عفاف حضرت زهرا (س)

روزی پیامبر (ص) و فاطمه (س) نشسته بودند که مردی نابینا اجازه ورود خواست قبل از ورود آن مرد، فاطمه (س) برخاست و خود را پوشانید. پیامبر (ص) به فاطمه (س) فرمود: چرا خود را پوشانیدی آن مرد نابینا است؟ فاطمه (س) پاسخ داد: بله پدر ولی من که او را می بینم و هر چند او نابیناست اما بوی مرا استشمام می کند. رسول خدا (ص) فرمود: شهادت می دهم که تو پاره تن من هستی.

روزی رسول خدا (ص) در جمع یاران نشسته بود، از آنان پرسید: ارزنده ترین و گرامیترین زینت برای زنان چیست؟ به گفته انس بن مالک کسی از صحابه نتوانست پاسخ

گوید. علی (س) با وجودی که پاسخ آن را می دانست، دوست داشت پاسخ آن را از زبان

حضرت فاطمه (س) بشنود به خانه رفت و این سؤال را با همسرش در میان نهاد و حضرت فاطمه زهرا (س) فرمود: «بهترین زینت برای زن آن است که مردان او را نبینند و آنها نیز مردان را نبینند».

علی (ع) بسوی پیامبر (ص) بازگشت و پاسخ فاطمه (س) را برای حضرت بیان کرد

رسول خدا (ص) فرمود: «فاطمه (س) درست گفته چرا که او پاره ی تن من است»

آراستگی و معطر بودن برای همسر

برای زن سزاوار نیست در رسیدگی به وضع ظاهریش کوتاهی کند و باید به خاطر همسرش به خود و سر و وضعش برسد، ولو اینکه گردنبنندی را در گردن خویش بیاویزد و نیز پسندیده نیست که دستش را بدون رنگ رها کند، ولو اینکه مختصر حنائی بگذارد گرچه سالخورده

ص: ۲۲

باشد.

در زندگی حضرت فاطمه زهرا (س) نقل می کنند که ام سلمه همسر پیامبر (ص) از حضرت زهرا (س) پرسیدند، آیا عطر و بوی خوش ذخیره کرده اید؟ فرمودند: آری، مقداری عطر آوردند و در کف دست من ریختند، بوی خوشی داشت که هرگز به مشام نرسیده بود.

پیامبر اکرم (ص) به عمار یاسر مأموریت داد، برای شب عروسی حضرت زهرا (س) عطرهاى خوشبو تهیه نمایند، عمار یاسر می گوید: عطر خوبی تهیه کرده به منزل حضرت فاطمه (س) بردم و گفتم پدر شما، رسول خدا (ص) مرا امر کرد تا این عطر را فراهم نمایم.

ایثار در شوهرداری

فاطمه ی زهرا (س) در تمام زمینه های عملی، برای بانوان و پیروانش الگوی زندگی است و از جمله شوهرداری و جلب رضایت او می توان از سیره ی آن حضرت درسها گرفت و صفا و صمیمیت کانون خانواده را دو چندان کرد.

روزی امیرالمؤمنین علی (ع) از فاطمه (س) طعام خواست، آن حضرت جواب داد:

«ما كانت الا- ما اطعمتك منذ يومين، آثرت به علی نفسی و علی الحسن والحسین (ع)، فقال: الا اعلمتني فاتيتكم بشي ء؟
فقلت: يا ابالحسن اني لاستحيي من الهی ان اكلفك ما لا تقدر عليه!»

«در نزد من چیزی نیست، جز آنکه دو روز پیش آن را برای شما آوردم و من آن را برای خود و حسن و حسین (ع) نگه داشته بودم. علی (ع) فرمودند: چرا در طول دو روز مرا مطلع نکرده ای، تا برایتان چیزی تهیه می کردم؟ فاطمه (س) گفت: من از خدایم شرم کردم تو را به کاری بگمارم که قدرت انجام آن را نداری.

و در عبارتی دیگر اینکه: پدرم به من سفارش کرده که

از علی (ع) چیزی درخواست نکن، هر چه او آورد، استفاده کن، و گرنه تحمّل بنما.

از این حدیث درسهای زیادی می‌گیریم، از جمله اینکه فاطمه (س) خود و فرزندانش گرسنگی کشیده غذا را برای پدر گذاشته‌اند، و این حرکت تعجب‌آمیز، ایثار و عشق و علاقه‌ی شدید زهرا (س) به آن حضرت را می‌رساند، هر چند ممکن است نسبت به بچه‌های کوچک نیز غذا و طعامی غیر از آن داده باشد.

حفظ آبروی خانواده

یکی از ویژگیهای حضرت فاطمه (س) این بود که آن بزرگوار در حفظ حریم خانواده، بویژه شوهرش فوق‌العاده حساس بود و تمام مشکلات و نارسائی‌ها را تحمّل می‌نمود، ولی خم به ابرو نیاورد و آبروی علی (ع) را حفظ می‌کرد.

با اینکه شخصیت فاطمه (س) در جهان اسلام جایگاه خاصی داشته و دارد، ولی او در انتقال از خانه پدر به خانه‌ی شوهر، به یک خانه‌ی محقر و دورافتاده‌ی استیجاری که صاحب آن حارثه بن نعمان بود، پناه برد و دور از هرگونه امکانات زندگی، با خاکهای نرم، اتاق عروسی را صاف کرد و هرگز محرومیت را به رخ علی (ع) نکشید و به دیگران نیز نگفت.

امیرالمؤمنین (ع) برای رفع گرسنگی خانواده‌اش، به سراغ خانه‌ی یک مرد یهودی به نام شمعون رفت و مشکل خود را با او در میان گذاشت و چنین فرمود:

«هل لك ان تعطینى جزءه من الصفوف تغزلها لك ابنة محمد بثلاثة اصوع من شعير؟ قال: نعم، فاعطاه فجاء بالصفوف والشعير و اخبرها فقبلت و اطاعت ثم عمدت ...»

«آیا تو مقداری از پشم را در برابر سه کیلو جو در اختیار من قرار می‌دهی تا دختر پیامبر

خدا (ص) - فاطمه ی زهرا (س) - آن را برایت بریسد؟ شمعون گفت: بلی. آنگاه علی (ع) پشم و جو را گرفت و به خانه آورد و جریان را به آن بانوی بزرگوار گفت، آن حضرت نیز کار استیجاری را پذیرفت، و شروع بکار کرد ...»

تقسیم کار در خانه

خانواده ای در زندگی مؤفق می گردد، که به طور مشترک و برای رسیدن به اهداف مقدس در کانون خانواده تلاش کنند و هیچکدام از زن و شوهر از کار، گریزان نباشد، ولی باید شئون و وظایف مشخص باشد و هریک به تناسب توان، تخصص و حوصله ی خویش، انجام کاری را به عهده بگیرد ...

حضرت علی (ع) و فاطمه (س)، برای تقسیم کار به حضور پیامبر خدا (ص) رسیده و درخواست نمودند: آن حضرت تکلیف هریک را در امور خانه مشخص فرماید. چنانچه حضرت امام باقر (ع) می فرمایند؛ رسول خدا (س) نیز چنین تقسیم کار کردند:

«ففضی علی فاطمه (س) بخدمه مادون الباب و قضی علی علی (ع) بما خلفه ...»

به امیرالمؤمنین (ع) دستور دادند کارهای خارج خانه را انجام دهند و به دخترش فاطمه (س) نیز فرمودند که او کارهای داخل خانه را اداره نمایند و آن بانوی دو عالم از این تقسیم کار شدیداً خوشحال شد.

و امام صادق (ع) می فرماید:

«کان امیرالمؤمنین یحتطب و یستقی و یکنس و کانت فاطمه تطحن و تعجن و تخبز.»

«جدّم امیرالمؤمنین (ع) در انجام کارهای خانه، هیزم جمع می کرد، آب می کشید و می آورد و خانه را جارو می فرمود و مادرم زهرا (س) نیز جوها را آرد می کرد، سپس خمیر می نمود و آنگاه

نان می پخت.

از این دو حدیث استفاده می شود که حضرت امیرالمؤمنین (ع) و فاطمه ی زهرا (س) با انضباط خاص، وظایف خانه را انجام می دادند و کار آنان مشخص بود و در عین حال مولای

متقیان علی (ع) علاوه بر کارهای خارج از خانه، در امور داخلی خانه نیز به همسرش کمک می کرد. کلمه ی «یکنس: جارو می کرد» به این موضوع دلالت دارد.

در حدیث داریم که روزی رسول خدا (ص) وارد خانه ی دخترش زهرا (س) شد و مشاهده کرد که دختر و دامادش هر دو مشغول کارند و به کمک یکدیگر در کنار آسیاب دستی نشسته و به آرد کردن می پردازند، پس از سلام و احوال پرسی فرمودند: اَیُّکُمَا اَعِیُّ؟

کدامیک خسته تر اید تا من به جای او بنشینم و کار را به پایان برسانم؟! علی (ع) عرض کرد: یا رسول الله (ص)! دختری فاطمه (س) ...

این حدیث نیز می رساند که حضرت امیرالمؤمنین (ع) به کارهای مربوط به داخل خانه به فاطمه (س) کمک می کرد ...

حضرت زهرا (س) علاوه بر اینکه امور مربوط به خانواده را در داخل و خارج خانه با شوهرش تقسیم کرده بود، با خادمه ی اهل بیت علیهم السلام جناب فضّه نیز کارهای خویش را به طور منظم و با تناوب انجام می دادند. اگر فضّه یک روز کار می کرد، روز دیگر استراحت می نمود و حضرت خود به کارها می پرداخت.

اینک توجه شما را به یک واقعه تاریخی در این زمینه جلب می کنم:

حضرت سلمان می گوید: وارد خانه علی (ع) شدم، ناگاه مشاهده کردم دختر پیامبر (ص) مشغول دستاس و آرد کردن است، او در این کار آن چنان به زحمت افتاده

ص: ۲۶

بود، که دستهایش ورم کرده بود. در حالیکه حضرت امام حسین (ع) - که کودکی صغیر بود- از گرسنگی بی تاب می کرد.

سلمان می گوید: دلم به حال او سوخت و لذا اظهار داشتم: ای دختر رسول خدا! چرا از فضا کمک نمی گیری؟ حضرت جواب داد: پدرم او را به من سفارش کرده است، من باید با او به عدالت رفتار کنم ما کارها را ما بین خود تقسیم کرده ایم یک روز او کار می کند و روز دیگر من و امروز نوبت استراحت او می باشد.

سلمان می گوید: گفتم: من آزاد شده ی پدر تو هستم، اجازه ده من به جای تو این کار را انجام دهم. تا اینکه به آرد کردن مشغول شدم و وقت نماز رسید، آماده ی رفتن به مسجد

شدم، بعد از اقامه نماز آنچه را دیده بودم به مولایم علی (ع) گفتم. آن حضرت چون

سخنان مرا شنید، شروع به گریه کرد و سپس به سراغ فاطمه (س) رفت و با تبسم برگشت و گفت: دیدم فاطمه (س) خوابیده و حسین (ع) نیز در کنار مادرش در خواب می باشد و آسیاب دستی بدون مباشرت کسی کار می کرد، پیامبر خدا (ص) تبسم کنان فرمودند:

یا علی (ع)! برای خداوند در روی زمین ملائکه ای است که به محمد و آل محمد (ص) خدمت می کنند.

این قضیه می رساند که نظم و تقسیم کار در تمام شئون زندگی حضرت فاطمه (س) حاکم بود.

عشق و علاقه شدید حضرت زهرا (س) به امیرالمؤمنین (ع)

فاطمه (س) با الهام از دستورات الهی پدر بزرگوارش، نسبت به امیرالمؤمنین (ع) فوق العاده علاقه مند بود و هرگز برخلاف رضای او گام بر نمی داشت و برخورد و زندگیش با مولا علی (ع) طوری بود، که غمها و

غصه های وارده در بیرون از خانه، با دیدار فاطمه (س) بر طرف می شد، و حضرت علی (ع) خود در این باره می فرماید:

«فوالله ما اغضبتهما، ولا اكرهتها علي امر حتى قبضها الله عزوجل، ولا اغضبتي، ولا عصت لي امرا، ولقد كنت انظر اليها فتكشف عني الهموم والاحزان.»

سوگند به خدا، من هرگز زهرا (س) را به خشم نیاوردم و او را به کاری مجبور نساختم، تا اینکه مرا در فراقش گرفتار ساخت و متقابلاً او نیز مرا خشمگین نساخت، و هیچ وقت نافرمانی نکرد و هرگاه من با او دیدار می کردم، غمها و غصه هایم از دل برطرف می شد.

این حدیث از عشق و علاقه ی شدید متقابل دو همسر معصوم حکایت می کند، که در طول زندگی آنان نه تنها کوچکترین اختلافی پیش نیامده است، بلکه مشکلات خارجی و اجتماعی با دیدار محبت آمیز مرتفع می گردید.

به همین جهت بود، که چون امیرالمؤمنین (ع) را به زور و اجبار برای بیعت با غاصبین خلافت به مسجد آوردند، آن بانوی دو عالم به دنبال علی (ع) در کنار قبر رسول خدا (ص) قرار گرفت و فرمود: «هر آینه اگر پسر عمویم علی (ع) را رها نسازید، سوگند به خدا موهایم را پریشان نموده و پیرهن پدرم را بر سر گرفته و شما را نفرین می کنم ...»

این روایت که از طریق امام صادق (ع) از حضرت سلمان نقل شده، آمده است: «در این هنگام آثار بلای آسمانی پدیدار گشت و سلمان از فاطمه (س) شفاعت کرد که آن حضرت نفرین ننماید، همزمان علی (ع) را نیز آزاد کردند ...»

«عن ابی عبدالله

(ع): لما استخرج اميرالمؤمنين (ع) من منزله خرجت فاطمه (س) حتى انتهت الى القبر فقالت: خلوا عن ابن عمي فوالذي بعث محمداً (ص) بالحق لئن لم تخلوا عنه لانشرن شعري ولاضعن قميص رسول الله (ص) على رأسي ولاصرخن الى الله ... قال سلمان: فرأيت والله اساس حيطان المسجد تقلعت من اسفلها ... »

و در يك روايت ديگر آمده است كه حضرت زهرا (س) اگر چه در بستر بيماري بود و غمها و غصه هاي فراواني كه در اثر فشار و جنايت مهاجمين خونخوار به خانه ي آن حضرت پيش آمده بود، وي را فرا گرفته بود، ولي پيوسته به ياد علي (ع) و آينده آن بزرگوار در تشويش و اضطراب بسر مي برد، و حتي در هنگام مرگ سكرات موت را فراموش کرده و در مورد مصائب آتي اميرالمؤمنين (ع) گريه مي كرد. چنانچه حضرت امام صادق (ع) نقل مي كنند:

«لما حضرت الوفاة بكت، فقال لها اميرالمؤمنين (ع): يا سيدتي! ما يبكيك؟ قالت: ابكي لما تلقي بعدى! فقال: لا تبكي فوالله ان ذلك لصغير عندي ... »

چون وقت شهادت فاطمه (س) فرا رسيد شروع به گريه كرد، حضرت علي (ع) با يك تعبير عالي و تعجب آميز پرسيد: «اي سرور» من چرا گريه مي كني؟! جواب داد: براي آن مشكلاتي كه بعد از من با آنها مواجه خواهي شد. حضرت فرمودند: تو گريه نكن همه ي اينها براي من آسان است.

تعبير: «يا سيدتي» در اين حديث، نشان عظمت فاطمه ي زهرا (س) از ديدگاه اميرالمؤمنين (ع) است و همچنين گريه فاطمه (س) براي علي (ع) آن هم در حال مرگ و سكرات آن، كه معمولاً هر كسي به

فکر خود می باشد، شدت علاقه ی فاطمه (س) به امیرالمؤمنین (ع) را در بر دارد. و بالاخره چون خبر شهادت زهرا (س) را به علی (ع) دادند، آن حضرت در حال حرکت به زمین افتاد و هرچه خواست بلند شود ممکن نشد. و در نقلی دیگر حالت غشوه به او دست داد.

همه ی این احادیث و قضایای تاریخی نشان می دهد، که در میان علی (ع) و فاطمه (س) محبت، عشق و علاقه ی فوق العاده ای حاکم بود، که در فراق فاطمه (س)، علی (ع) به حالت غشوه می افتد و صبر و توانش به ناتوانی و کم صبری تبدیل می گردد، فاطمه (س) نیز هرگز علی (ع) و یاری علی (ع) را فراموش نمی کند. و در هنگام سكرات مرگ که لحظات بسیار دشواری به حساب می آید، به یاد گرفتاری و مصائب آن حضرت اشک می ریزد.

کار طاقت فرسای امیرالمؤمنین (ع) جهت امرار معاش

روزی رسول خدا (ص) به منزل فاطمه (س) تشریف برد. دید حسن و حسین (ع) منزل نیستند. احوالشان را پرسید. فاطمه (س) عرض کرد: امروز در خانه ی ما چیزی برای خوردن وجود نداشت. علی (ع) وقتی خواست بیرون برود، فرمود: حسن و حسین (ع) را با خودم بیرون می برم، مبادا گریه کنند و از تو مطالبه ی غذا نمایند. رسول خدا (ص) در جستجوی علی (ع) بیرون رفت.

او را در نخلستان یافت، که مشغول آب کشی بود. حسن و حسین (ع) را مشغول بازی دید و مقداری خرما نیز در نزدشان بود.

به علی (ع) فرمود: قبل از اینکه هوا گرم شود حسن و حسین را به خانه بر نمی گردانی؟ عرض کرد: یا رسول الله وقتی از خانه خارج شدم غذایی در خانه نداشتیم. صبر کنید تا قدری

خرما برای فاطمه (س) تهیه کنم. من با این یهودی قرار گذاشته ام در مقابل هر دلو آب یک دانه خرما بگیرم. وقتی قدری خرما تهیه شد آنها را در دامن ریخت و حسن و حسین (ع) را برداشت و به منزل بازگشت.

رضایت فوق العاده امیرالمؤمنین (ع) از حضرت زهرا (س)

حضرت علی (ع) از فاطمه ی زهرا (س) فوق العاده راضی و خوشنود بود، زیرا آن حضرت یک انسان معصوم و بی لغزش بود و هرگز کاری برخلاف رضای امیرالمؤمنین (ع) انجام نمی داد، ولی در عین حال فاطمه (س) در هنگام فراق، در ضمن وصایای خود به آن حضرت، قلب مبارک علی (ع) را بار دیگر از خود راضی نمایند و لذا عرض کرد:

«ای پسرعموی پیامبر (ص)! من هرگز به تو دروغ نگفتم، خیانت نکردم و به مخالفت تو برنخاستم.»

علی (ع) چون این سخنان را شنید فرمود:

«معاذالله انت اعلم بالله و ابر و اتقی و اکرم و اشدّ خوفاً من الله قد عزّ علیّ مفارقتک و تفقدک الا انه امر لا بد منه ...»

پناه به خدا، تو نسبت به امور و احکام الهی داناتری، نیکوکاری، تقوا، تقرّب و خشیت تو نسبت به خدا بیشتر است. این را بدان که جدایی و مفارقت تو فوق العاده برای من سنگین است، ولی این کار چاره پذیر نیست.

این فرازها نشان می دهد که آن بانوی گرانقدر، آن قدر برای مولای متقیان علی (ع) عظمت قائل است، که در مقام کسب رضایت خاطر مولا بوده است، هرچند کار خلاف و قصور جزیی نیز از او صادر نشده بود.

به این مناسبت بود که امیرالمؤمنین (ع) چون پیکر پاک فاطمه (س) را بر خاک سپرد،

دست دعا به سوی آسمان برداشت و در حق زهرا (س) چنین دعا کرد:

«اللهم انى راض عن ابنه نبيك، اللهم انها قد اوحشت فانسها، اللهم انها قد هجرت فصلها، اللهم انها قد ظلمت فاحكم لها و انت خير الحاكمين.»

خدایا! من از دختر پیامبرت (ص) راضی هستم. بارالها! فاطمه (س) نگران و مضطرب بود، تو او را آرامش بخش، خداوندا! زهرا (س) از دوستان و فرزندان مفارقت کرد، تو او را وصل کن. پروردگارا! به فاطمه (س) ظلم کردند، تو خود حاکم باش که تو بهترین حکم کننده ای.

همه ی این فرازا نشان می دهد که فاطمه ی زهرا (س) با داشتن مقام عصمت نسبت به حقوق شوهر چقدر ارزش قائل بوده و چه سان نگران بوده است که نسبت به مقام بلند

شوهرش علی بن ابیطالب (ع) مسئول باشد و لذا علی (ع) رضایت خویش را در مورد فاطمه (س) اعلان می نماید ...

به همین جهت حضرت امام باقر (ع) می فرماید: «برای زن هیچ شفاعتی به اندازه ی رضایت شوهر مفید و ثمربخش نیست ...»

استفاده از تجربه ی مشورت در زندگی

در زندگی آن حضرت از کودکی تا هنگام وفات و شهادت کسانی مسئولیت سرپرستی و مشاوره با آن حضرت را داشته اند.

بعد از رحلت مادر بزرگوارشان خدیجه ی کبری (س)، سرپرستی و سپس مشاورت آن حضرت بر عهده ی فاطمه بنت اسد (س) گذاشته می شود تا سال چهارم هجرت یعنی سالی که امام حسن مجتبی (ع) به دنیا آمدند در این سال بعد از رحلت فاطمه بنت اسد (س) امر مشاوره و همفکری حضرت زهرا (س) به ام سلمه محول می شود و ام سلمه (س) تا زمان شهادت

حضرت زهرا (س) در کنار ایشان بوده است.

نکته ی مورد توجه در این ماجرا این است که پیامبر اکرم (ص) حتی بعد از ازدواج حضرت زهرا (س) مشاوره را برای ایشان لازم می دانند. وقتی مسئله شنیدنی تر می شود که ما زهرا (س) را دارای مقام عصمت بدانیم.

نکته دیگر اینکه آنهایی که تأسی به حضرت زهرا (س) را برای خود فرض و حتم می دانند باید متوجه باشند که انسان همیشه محتاج مشاوره است. و این نکته برای نوعروسان جای دقت بسیار دارد.

تفریح و گفتگوهای دلنشین حضرت زهرا (س) و امیرالمؤمنین (ع)

«روی ان الامام علی بن ابی طالب (ع) کان ذات یوم هو و زوجته فاطمه (س) یا کلان تمراً فی الصحراء، إذ تداعبا بینهما بالكلام، فقال علی (ع): یا فاطمه إن النبی (ص) یحبنی أكثر منك. فقالت: واعجباً منك! یحبک أكثر منی و أنا ثمره فؤاده و

عضو من اعضائه و غصن من اغصانه و لیس له ولد غیری؟! فقال له علی (ع) یا فاطمه إن لم تصدقینی فأمضی بنا الی اییک محمد (ص).

قال: فمضینا الی حضرته (ص) فتقدمت و قالت: یا رسول الله أینا أحب إلیک انا أم علی؟ قال النبی (ص): أنت أحب إلی و علی (ع) اعز علی منک. فعندها قال سیدنا و مولانا الإمام علی بن ابی طالب (ع) الم اقل لک: أنا ولد فاطمه ذات التقی؟ قالت فاطمه (س): و أنا ابنه خدیجه الکبری. قال: و انا ابن الصفا. قالت: انا ابنه سدره المنتهی، قال: و أنا فخرالوری قالت: و انا ابنه من دنی فتدللی و کان من ربه قاب قوسین او ادنی ...

روایت شده که روزی حضرت علی (ع) و همسرش حضرت زهرا (س) به صحرا رفتند

به هنگام خوردن خرما با گفتن کلماتی مزاح کردند. علی (ع) فرمود: ای فاطمه (س)! رسول خدا (ص) مرا بیشتر دوست می دارد. حضرت زهرا (س) گفت: از سخن تو در عجبم! آیا می شود پیامبر اکرم (ص) تو را بیش از من دوست داشته باشد در حالی که من میوه ی دل او و عضوی از پیکرش و شاخه ای از شاخسارش می باشم و غیر از من فرزندی ندارد؟!

علی (ع) فرمود: ای فاطمه (س)! اگر سخن مرا قبول نداری بیا تا نزد پدرت حضرت رسول (ص) برویم! سپس آن دو با هم نزد پیامبر (ص) رفتند. حضرت فاطمه (س) گفت: ای رسول خدا (ص)! کدام یک از ما دو نفر نزد تو محبوب تریم؟ من (س) یا علی (ع)؟!

رسول خدا (ص) فرمود: تو نزد من محبوب تری و علی (ع) از تو برای من عزیزتر است. به دنبال فرمایش حضرت رسول (ص) علی (ع) گفت: آیا من به تو نگفتم که فرزند فاطمه ی با تقوایم؟ زهرا (س) فرمود: من نیز دختر خدیجه ی کبرایم. علی (ع) گفت: من فرزند صفایم. فاطمه (س) گفت: من دختر سدره المنتهی می باشم. علی (ع) گفت: من فخر کائناتم. فاطمه (س) گفت: من دختر کسی هستم که به خدا نزدیک و نزد او آن چنان گرامی شد که گویی به فاصله دو تیر کمان یا نزدیک تر، به پدرش قرار گرفت ...

از روایت فوق الذکر و نقل این ماجرای تاریخی حدّ اقل می توانیم نتیجه بگیریم که حضرت زهرا (س) و علی (ع) تفریح داشته اند.

توصیه ی حضرت زهرا (س) به امیرالمؤمنین (ع) در ازدواج با امامه

برای امیرالمؤمنین علی (ع) با وجود حضرت زهرا (س) تجدید فراش و تعدّد زوجات جایز نبود، بنابراین آن حضرت در

زندگی مشترکی که با فاطمه (س) داشت نه تنها به این

فکر نیفتاد، بلکه از هر کاری که موجب ملال خاطر آن مخدّره می شد، اجتناب کرد.

از حضرت ابوذر آمده است که در حبشه به جعفر طیار برادر امیرالمؤمنین (ع) کنیزی اهدا شد، که جعفر (ع) پس از ورود به مدینه آن را به حضرت علی (ع) اهدا کرد، که از وجود او در کارهای جزئی خانه استفاده شود.

علی (ع) احساس کرد؛ ممکن است حضور او در خانه ی امیرالمؤمنین (ع) برای فاطمه ی زهرا (س) ملال آور باشد، از این جهت مولای متقیان او را آزاد ساخت ...

فاطمه (س) نیز متقابلاً از امیر المؤمنان رضایت کامل داشت و سعی می کرد حقوق شوهرش را به طور کامل انجام دهد و مشکلی برای حضرت پیش نیاید ...

حتی برای پیشگیری از مشکلات آینده و بعد از وفات او سفارش کرد با دختر خواهرش امامه که دختر شایسته و خوبی بود، ازدواج کند، تا هم مشکل نداشتن همسر جبران گردد و هم در اثر علاقه و عاطفه ی قرابتی، تنهایی و یتیمی فرزندان زهرا (س) تا حدودی تأمین شود. متن وصیت حضرت زهرا (س) در این مورد:

«یا بن عمّ رسول الله! اوصیک اولا ان تتزوج بعدی بانه اختی «امامه» فانها تکون لولدی مثلی، فانّ الرجال لابدّ لهم من النساء.»

ای پسر عموی پیامبر (ص)! نخستین وصیت من این است که بعد از من با دختر خواهرم امامه ازدواج کن، زیرا او برای فرزندانم مثل من مهربان است و از سوی دیگر، داشتن همسر برای مردان یک ضرورت محسوب می گردد.

این حدیث که با عبارات مختلف در

منابع شیعه و سنی آمده، می‌رساند که فاطمه (س) در استیفای حقوق شوهر، حتی دوران پس از وفاتش را نیز در نظر می‌گیرد و شوهرش را به انتخاب همسر سفارش می‌کند، زیرا چنانچه در حدیث به طور منصوص العله اشاره گشته، معمولاً مرد بدون زن و زن بدون شوهر، نمی‌تواند زندگی مطلوب داشته باشد از این جهت

حضرت علی (ع) بعد از شهادت حضرت فاطمه (س)، در مدت کمتر از یک هفته با امامه ازدواج نموده و زندگی مشترک با وی را شروع کرد.

رفتار با فرزند

انتخاب بهترین نام‌ها برای فرزندان

یکی از وظایف اولیه والدین در برابر فرزندان خود و یکی از هدیه‌های ماندگار والدین به فرزند انتخاب نام نیکو و ارزشی برای آنها است. پیروی از اسوه‌های انسانی، در همه‌ی مراحل و شئون زندگی سفارش شده است. چرا که اقتدای به خوبان، زندگی را پر از خیر و خوبی می‌سازد و غذای روحی و کمالات انسانی را به سرعت در انسان احیاء می‌گرداند. از جمله سفارش شده است، نام کودکان بر اساس نام ناموران صالح و شایسته انتخاب گردد که این امر علاوه بر آثار مثبت روانی برای کودکان، نوعی احیاء و بزرگداشت نام زنان و مردان صالح روزگار است و به تصدیق روایات، دارای آثار وضعی نیز می‌باشد.

حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) در این خصوص دقت و حساسیتی خاص داشت و نام فرزندان خود را از طریق هدایت گریه‌های پیامبر اکرم (ص) انتخاب می‌نمود، نامهایی که حتی در معنای لفظی نیز زیبایی و ملاحظت دارند.

در یکی از روایات نام حضرت زهرا (س) به عنوان نام با برکت معرفی شده که از خانه و خانواده، فقرزدائی می‌کند. «قال

الامام الكاظم (ع): لا يدخل الفقر بيتا فيه اسم محمد او احمد او علي او الحسن او الحسين او جعفر او طالب او عبدالله او فاطمه من النساء.»

امام کاظم حضرت موسی بن جعفر (ع) می فرمایند: در خانه ای که نام محمد یا احمد یا علی یا حسن و حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه باشد فقر وارد نمی شود.

عقیقه دادن و گفتن اذان در گوش نوزاد

صدقه و عقیقه ی قربانی (که در واقع می توان آن را بیمه ی سلامتی شمرد) از مستحباتی است که در اسلام، تأکید زیادی بر آن شده است. نقل شده است که فاطمه (س) هرگاه صاحب فرزندی می شد، برای او گوسفندی عقیقه می داد، سپس روز هفتم، سر طفل را می تراشید و برابر وزن موهای او نقره صدقه داده، برای قابله و همسایه ها هدیه می فرستاد و دیگران را در شادی خود سهیم می کرد.

یکی دیگر از سنتهای جاری در زندگی صدیقه ی کبری (س) گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ فرزند بود. آن حضرت به خوبی می دانست که باید کودک را از همان لحظات اول زندگی با کلماتی چون الله، محمد، نماز... آشنا کرد که این آشنایی، به یقین در جهت گیری تمایلات روحی او به ملکوت اعلی اثر خواهد گذاشت.

اظهار محبت نسبت به فرزندان

در نزد دانشمندان فن تربیت و روانشناسان، این مطلب به اثبات رسیده که اطفال در تمام دوران کودکی، به محبت و اظهار علاقه نیازمندند. کودک می خواهد پدر و مادر بیش از دیگران، او را دوست بدارند و نسبت به او اظهار علاقه نمایند. کودک چندان توجهی ندارد که در کاخ زندگی می کند یا در کوخ، لباس و خوراکش خیلی اعلا است

یا نه. اما بدین موضوع کاملاً توجه دارد که دوستش دارند یا نه. این احساس درونی کودک را چیزی جز اظهار محبت و نوازش ارضا نمی کند. سرچشمه ی اخلاق و شخصیت آینده ی او همین اظهار محبت ها است. همین آغوش گرم مادر و نوازشهای مخلصانه ی پدر است که روح بشر دوستی و علاقه ی به هم نوع را در کودک می دمد، برای اظهار همدردی و کمک به دیگران آماده اش می سازد، همین نوازشهای بی شائبه است که کودک را از ترس و تنهایی و ضعف نجات می دهد و به زندگی امیدوار می سازد. همین مهرورزیها و بوسه های بی شائبه است که روح خوشبینی و خوشخویی را به او تلقین می کند و او را به سوی زندگی اجتماعی، تعاون و همکاری هدایت می نماید. از عزلت گوشه گیری نجاتش می دهد. به واسطه ی همین نوازشها است که کودک احساس شخصیت می کند و خودش را لایق دوستی می داند.

کودکی که از جهت محبت کمبود داشته باشد، معمولاً ترسو، خجول، ضعیف، بدبین، گوشه گیر، بی علاقه و پژمرده و حتی مریض بار می آید. گاهی هم ممکن است برای اظهار عکس العمل و نشان دادن بی نیازی، دست به اعمالی نظیر جنایت، دزدی و قتل نفس بزند تا بدین وسیله از اجتماعی که او را دوست ندارد، انتقام گیرد و تظاهر به بی نیازی کند.

پس محبت و نوازش کودک یکی از احتیاجات ضروری او بشمار می رود و برای پرورش او ضرورت دارد.

درس مذکور در خانه ی زهرا (س) به طور کامل اجرا می شد و پیغمبر اکرم (ص) عملاً آنرا به فاطمه (س) یاد می داد.

روایت شده: وقتی امام حسن (ع) به دنیا آمد او را در پارچه ی زردی پیچیده خدمت رسول خدا (ص)

آوردند. فرمود: مگر به شما نگفتم: نوزاد را در پارچه ی زرد نیچید؟ سپس لباسهای زرد حسن (ع) را دور انداخت و او را در پارچه ی سفیدی پیچید. در بغل گرفت و شروع کرد به بوسیدن و همین عمل را، نسبت به امام حسین (ع) نیز انجام داد.

روایت شده روزی رسول اکرم (ص) به نماز جماعت مشغول بود. هر گاه به سجده می رفت، امام حسین (ع) بر پشت او سوار می شد و پاهایش را حرکت می داد. وقتی می خواست سر از سجده بردارد حسین (ع) را می گرفت و به آرامی کنار می گذاشت. هنگامی که دوباره به سجده می رفت، باز امام حسین (ع) بر شانه ی آن جناب سوار می شد، پیغمبر (ص) او را می گرفت و کنار می گذاشت. پیغمبر (ص) با همین کیفیت نمازش را به پایان رسانید. یک نفر یهودی که جریان را مشاهده می کرد عرض کرد: شما نسبت به کودکان طوری رفتار می کنید که ما از آن امتناع داریم!

پیغمبر (ص) فرمود: شما هم اگر به خدا و رسول ایمان داشتید نسبت به کودکان مدارا می نمودید. یهودی بواسطه ی این رفتار پیغمبر (ص) مسلمان شد.

روزی رسول خدا (ص) امام حسن (ع) را می بوسید و نوازش می کرد «اقرع بن حابس» عرض کرد: من ده فرزند دارم ولی تا حال هیچ یک از آنان را نبوسیده ام.

پیغمبر اکرم (ص) غضبناک شد و فرمود: اگر خدا محبت را از قلب تو گرفته من چه کنم؟ هر کس نسبت به اطفال ترحم نکند و احترام بزرگسالان را نگه ندارد از ما نیست.

روزی رسول خدا (ص) از در خانه ی فاطمه عبور کرد، صدای گریه ی حسین (ع) را شنید. فاطمه (س) را

صدا زد و فرمود: مگر نمی دانی گریه ی حسین (ع) مرا اذیت می کند. «ابوهریره» می گوید: روزی پیغمبر (ص)، حسن و حسین (ع) را بر دوش مبارک سوار نموده بود.

در بین راه گاهی حسن را (ع) می بوسید و گاهی حسین (ع) را. مردی عرض کرد: یا رسول الله این دو کودک را دوست داری؟

فرمود: آری. هر کس حسن و حسین (ع) را دوست بدارد با من دوستی نموده و هر کس با آنان دشمنی کند با من دشمنی کرده است.

پیغمبر (ص) گاهی به فاطمه (س) می فرمود: حسن و حسین (ع) را بیاور. وقتی آنان را خدمت آن حضرت می برد، آنها را به سینه می چسبانید و مانند گل می بوید.

ابوهریره می گوید: پیغمبر (ص) را دیدم که دهان حسن و حسین (ع) را می مکید چنان که خرما را می مکند.

توجه به نیازهای کودکان

از عوامل مؤثر در سلامت و نشاط روحی و جسمی فرزند، تغذیه و بهداشت است. تأمین اینگونه نیازها جسم و روح کودک را آرام و آسوده نگه می دارد، سلامتی و صلابت روح او را تا پایان عمر تضمین می کند. ناهنجاریهای فراوانی که در انسانهای بزرگ دیده می شود، بنوعی ریشه در نیازهای این دوره از زندگی آنها دارد. علاوه بر این، نباید از تأثیرگذاری متقابل روح و جسم غافل بود. بی شک، یک جسم بیمار، روح را پژمرده و بی نشاط می سازد، همانگونه که روح افسرده، موجب اخلال در فعالیتهای بدن می گردد.

بارها در تاریخ خوانده ایم که گاه، فاطمه ی زهرا (س) شکم فرزندان را به قیمت گرسنگی خود، سیر می کرد.

زمانی که مسلمانان به علت کمبود آب، سخت در مضیقه بودند، فاطمه (س)، حسن و حسین (ع) را نزد پیامبر (ص)

برد و عرض کرد ای رسول خدا (ص)! فرزندان من خردسالند و تحمیل تشنگی در توان آنها نیست. پیامبر (ص) که نگرانی دخترش را در این رابطه، بجا و به موقع دید، زبان مبارکش را در دهان حسن و حسین (ع) قرار داد و با تر کردن دهان آنها، حضرت زهرا (س) را از نگرانی درآورد و آن دو طفل کوچک را نیز از تشنگی مفرط نجات داد.

عطوفت و مهر مادری در حضرت زهرا (س) بقدری بود که در لحظات پایانی عمر خود، سخت نگران حال فرزندانش بود. شاید بیشترین نگرانی آن حضرت برای محرومیت آنها از مادر بود، زیرا او می دانست که پس از شهادتش، هیچکس نمی تواند مهر و محبت مادری را نسبت به آنها داشته باشد. فاطمه ی زهرا (س) برای اینکه فرزندانش از این نعمت بزرگ یعنی محبت مادرانه، کاملاً محروم نمانند، به حضرت علی (ع) پیشنهاد کرد و از ایشان خواست که پس از او، کسی را به همسری انتخاب کند، که بتواند از عهده ی این مهم برآید.

پس از رحلت رسول گرامی (ص)، مقداری از غمهای حضرت زهرا (س) به محرومیت فرزندانش از محبت پیامبر (ص)، مربوط می شد و گاهی با قلبی سوزان، خطاب به

فرزندانش چنین می گفت: کجا رفت پدرتان، پیامبر (ص) که شما را عزیز می داشت؟ او شما را بر دوش خود سوار می کرد و به شما مهربانی می نمود. کجا رفت جد بزرگوارتان که از همه به شما مهربانتر بود، آن گونه که نمی گذاشت شما بر روی زمین راه بروید و همیشه شما را در آغوش خود داشت؟ آه! که دیگر او را نمی بینم که شما را بر

توجه به بازی و تحرک کودکان

علی رغم اینکه ظهور اسلام در محیطی کاملاً بی فرهنگ و دور از تمدن بود، اما برنامه و شیوه های ارائه شده از طرف اولیای دین، همیشه با انسانها از هر تمدن و فرهنگی سازگار است.

از جمله مواردی که در شیوه ی تربیت حضرت زهرا (س) جایگاه خاصی داشت، تحرک و بازی کودکان بود. این فعالیت و تکاپو به قدری برای سلامتی و رشد مناسب کودک، ضروری است که حتی برای تشویق آنها به تحرک و بازی، بزرگترها نیز باید تن به بازی و جست و خیز بدهند.

بازی در دوران کودکی به منزله ی واکنش کودک در برابر عوامل محیطی و بروز استعدادهای نهفته ی اوست که تأثیرات آن در کنار تقویت جسم و افزایش بنیه ی کودک، قابل توجه است. همچنین بازی، در پرورش نیروی ابداع و ابتکار کودک بی نهایت مؤثر است. بنابراین غفلت از بازی به هیچ وجه به صلاح کودک و والدین او نیست.

همبازی شدن رسول معظم اسلام (ص) با فرزندان دخترش زهرا (س) بیانگر این نکته ی مهم است که بازی و تحرک کودک، یکی از لوازم تربیت صحیح محسوب می شود. حضرت علی و فاطمه (ع) در خانه به بازی بچه ها توجه کافی مبذول می داشتند و همین امر، موجب شادابی و نشاط روزافزون آنها می شد.

در مقابل، خانه هایی که برای کودک، محیط مناسب و دلنشین برای بازی و تحرک نیست، در روحیه و شخصیت اعضای خردسال آن خانه، اثر نامطلوبی دارد، نباید فراموش کرد که تحرک و بازی، اقتضای طبیعت و سن کودک است و پدر و مادر وی وظیفه دارند شرط و لوازم این مهم را برای کودکان خود فراهم سازند. حضرت

فاطمه (س) از همان کودکی با فرزندانش همبازی می شد، و به این نکته نیز توجه داشت که در بازی، نوع الفاظ و حرکات مادر، سرمشق کودک، قرار می گیرد؛ بنابراین باید از کلمات و جملات مناسبی استفاده کرد. علاوه بر این باید در قالب بازی های کودکانه شخصیت کودک را تقویت نمود، او را به داشتن افتخارات و ارزشهای اکتسابی، تحریک و تهییج کرد. اینها همه مرهون در پیش گرفتن شیوه های صحیح در این رابطه است.

استفاده از جاذبه شعر در تربیت کودکان

شکی نیست که لالائیهای دوره کودکی جاذبه ی خاصی همراه با حلاوت فراموش نشدنی در ذهن انسان داشته و در تقویت و تثبیت ارزشهای اخلاقی، اجتماعی و حتی ارائه الگو و اسوه شخصیتی می تواند، نقش خطیر ایفا نماید، بنابراین حضرت زهرا (س) این عنصر تربیتی را با استفاده از ذوق شعری خویش به بهترین وجه به کار می گرفت و اشعار سرشار از مضامین بلند را در ساعات بازی بچه ها می خواند که آنها را سرگرم کرده و مفاهیم والای ارزشی را به فرزندانش تلقین می کرد.

به عنوان نمونه خطاب به امام حسن مجتبی (ع) می فرمود:

اشبه اباک یا حسن

و اخلع عن الحلق الرسن

و اعبد الها ذالمنن

و لا توال ذا الاحسن

یعنی ای حسن جان همچون پدرت - علی (ع) باش و ریسمان را از اطراف حق بردار.

خداوند صاحب نعمتها را پرستش کن و با افراد کینه توز دوستی مکن.

در جای دیگر خطاب به امام حسین (ع) این سروده را می خواندند:

انت شبیه بابی

لست شبیها بعلی

عزیز دلم - تو به پدرم رسول الله شباهت داری شبیه پدرت علی (ع) نیستی. در حالی که حضرت زهرا (س) این

شعر را خطاب به امام حسین (ع) می خواندند و با او بازی می کردند حضرت علی (ع) شنیدند و تبسم کردند.

ارج نهادن به شخصیت فرزندان

دانشمندان روانشناس می گویند: تربیت کننده باید شخصیت کودک را پرورش دهد و اعتماد به نفس را به او تلقین کند. او را بزرگ نفس و با شخصیت بار بیاورد.

مربی اگر به کودک احترام نگذاشت و او را کوچک شمرد و شخصیت او را خرد کرد، طبعاً ترسو و بی شخصیت بار می آید و خودش را زبون و بی ارزش می پندارد. هنگامی که بزرگ شد خودش را کوچکتر از آن می داند که به کارهای بزرگ اقدام کند. چنین فردی در اجتماع منشأ اثر واقع نخواهد شد و به آسانی زیر بار ذلت خواهد رفت. اما اگر خودش را بزرگ و با شخصیت دانست، به کارهای پست، تن نمی دهد و زیر بار خواری و ذلت نمی رود. این شخصیت نفسانی تا حدودی، به تربیت خانوادگی و روحیات پدر و مادر بستگی دارد.

روانشناسان برای تقویت روحی کودک مطالبی را به تربیت کنندگان توصیه می کنند که از جمله ی آنها موضوعات زیر است:

اول- اظهار علاقه، محبت و نوازش کودک. این موضوعی است که در ابتدای سخن بدان اشاره شد. و گفتیم که حسن و حسین (ع) از جهت محبت پدر و مادر و رسول خدا (ص) به قدر کافی برخوردار بودند.

دوم- باید صفات خوب کودک را یادآوری کرد و او را در حضور خودش و دیگران تعریف و توصیف نمود. و بزرگی نفس را به او تلقین کرد.

رسول خدا (ص) بارها می فرمود: حسن و حسین (ع) بهترین جوانان اهل بهشتند و پدرشان از آنان بهتر است.

پیغمبر اکرم

ص: ۴۴

(ص) به حسن و حسین (ع) می فرمود: شما ریحان خدایی هستید.

«ابوبکر» می گوید: پیغمبر (ص) روی منبر نشسته بود و حسن (ع) در پهلویش قرار داشت. گاهی به مردم نگاه می کرد و گاهی به حسن (ع)، و می فرمود: فرزندانم حسن (ع)، آقا و بزرگ است، به برکت او در بین امتم صورت گیرد.

«جابر» می گوید: روزی داخل خانه ی رسول خدا (ص) شدم دیدم حسن و حسین (ع) بر پشت آن حضرت سوارند و آن جناب با دست و پا راه می رود و می فرماید: بهترین شتر، شتر شما است و بهترین سوار شماست.

«یعلی عامری» می گوید: رسول خدا (ص) روزی حسین (ع) را دید که با بچه ها بازی می کند، پس دست مبارکش را دراز کرد تا او را بگیرد. حسین (ع) به این طرف و آن طرف می دوید. پیغمبر اکرم با شوخی و تبسم او را در بغل گرفت. آنگاه یکی از دستهایش را زیر چانه ی او و دست دیگرش را پشت گردن نهاد و دهان مبارکش را بر لبهای او گذاشته می بوسید و می فرمود: حسین (ع) از من و من از حسینم، هر کس او را دوست بدارد، خدا را دوست داشته است. حسین (ع) فرزند دختر من است.

علی بن ابی طالب (ع) به حسن و حسین (ع) می فرمود: شما پیشوای مردم و بزرگ جوانان اهل بهشتید و از ارتکاب گناه معصومید. خدا لعنت کند کسی را که با شما دشمنی کند.

حضرت فاطمه روزی حسن و حسین (ع) را خدمت رسول خدا آورد و عرض کرد: یا رسول الله حسن و حسین (ع) فرزند شما هستند. چیزی به ایشان عطا کن. فرمود: هیبت و سیادت

خود را به حسن (ع) بخشیدم، و شجاعت وجود خودم را به حسین (ع) دادم.

«سلمان فارسی» می گوید: حسین (ع) را دیدم که بر زانوی رسول خدا (ص) نشسته بود. او را می بوسید و می فرمود: تو بزرگ و بزرگ زاده و امام و پسر امام و پدر امامان هستی.

تو حجت، پسر حجت و پدر نه حجت می باشی که آخرشان قائم عجل الله تعالی فرجه است.

آری پیغمبر اکرم (ص) در پرورش شخصیت اولاد زهرا (س) کوشش می کرد و زهرا و علی (ع) نیز از همین برنامه متابعت می کردند. هرگز نشد که کودکان را تحقیر کنند و شخصیت آنها را در حضور دیگران کوچک سازند. و ضربه و شکست بر روحشان وارد نمایند. بدین علت، طبعاً بزرگ و آقا تربیت شده اند.

روایت شده که شخصی مرتکب گناهی شد که مستوجب کیفر بود، پس خودش را از رسول خدا (ص) پنهان داشت تا گاهی که حسن و حسین (ع) را در بین راه ملاقات نمود، آنان را بر دوش گرفته خدمت رسول خدا (ص) مشرف شد؛ عرض کرد: یا رسول الله حسن و حسین (ع) را شفیع قرار دادم.

پیغمبر اکرم (ص) خندید و فرمود: ترا بخشیدم. سپس به حسن و حسین (ع) فرمود: شفاعت شما را قبول کردم.

برای همین عظمت و بزرگی نفس بود که حسین بن علی (ع) با سپاه مختصری که داشت، در مقابل سپاه بیشمار یزید پایداری کرد و مردانه جنگ نمود و تن به ذلت و خواری نداد. می فرمود: مانند بندگان فرار نمی کنم و تسلیم خواری و ذلت نمی شوم.

در اثر همین تربیت بود که زینب کبری (س) با آن همه

مصیبت هایی که دید خود را در قبال دستگاه ستمگر یزید لعنه الله و العذاب نباخت و مرعوب آنان نشد و به وسیله ی خطابه های شورانگیزش شهر کوفه و شام را منقلب ساخت و دستگاه جبار و خونخوار یزیدیان را رسوا و مُفتضح ساخت.

توجه دادن فرزندان به رعایت نظم و حقوق دیگران

از دیگر مطالبی که باید همواره مورد توجه و دقت پدر و مادر و سایر مربیان قرار گیرد که مراقب کودک باشند تا از حق خودش تجاوز نکند و حقوق دیگران را نیز محترم بداند. کودک باید منظم باشد. باید نظم در زندگی را به او یاد داد. باید چنان تربیت شود که نه از گرفتن حقش عاجز باشد و نه حقوق دیگران را پایمال کند. البته شالوده ی این صفت در خانه و به دست پدر و مادر ریخته می شود، پدر و مادر باید نسبت به تمام کودکانشان یک جور رفتار کنند، هیچ یک را بر دیگری مقدم ندارند. بین پسر و دختر و کوچک و بزرگ و زشت و زیبا و خوش فهم و بدفهم فرق نگذارند. حتی در مورد اظهار محبت و علاقه هم با همه ی آنان یک جور رفتار کنند. تا حس حسد و کینه توزی در بین شان به وجود نیاید. و سرکش و متجاوز بار نیابند.

اگر کودک دید در خانه ی خودشان کاملاً حقوق افراد مراعات می شود، می فهمد که در اجتماع هم باید حقوق افراد را محترم شمرد. اما اگر در خانه هرج و مرج بود و حقوق افراد مراعات نشد، خوی سرکشی و تجاوز در کودک تقویت می شود. اگر کودک در مغازه ی نانوايي، یا در موقع سوار شدن به اتوبوس، یا در هنگام رفتن به کلاس و بیرون آمدن

مدرسه، نوبت دیگران را رعایت نکرد و حق سایرین را تضييع نمود، پدر، مادر و یا مربیان دیگر او را در این عمل تشویق کردند، به آن کودک معصوم خیانت نموده اند، زیرا از آغاز کودکی می پندارد که زورگویی و تعدی بر دیگران و تقدّم بی جهت، یک نوع زرنگی و هنر است. چنین فردی وقتی وارد اجتماع شد یا در رأس کاری قرار گرفت، تمام مقصدش کوبیدن و پایمال کردن حقوق دیگران خواهد بود و به غیر از نفع شخصی خودش هیچ هدف و منظوری نخواهد داشت.

درس مراعات حقوق دیگران به طور کامل در خانه ی حضرت زهرا (س) اجرا می شد. به قدری در این باره دقت می شد که حقوق و نظم را در کوچکترین موارد مراعات می کردند.

از باب نمونه: علی بن ابی طالب (ع) می فرماید: روزی پیغمبر اکرم (ص) در منزل ما استراحت می کردند، حسن (ع) آب خواست. رسول خدا برخاست قدری شیر دوشید و در ظرفی کرده و دست حسن (ع) داد. حسین (ع) از جای خویش بلند شد خواست کاسه ی شیر را از دست حسن (ع) بگیرد، اما پیغمبر اکرم (ص) جلو حسین (ع) را گرفت و

نگذاشت شیر را از حسن (ع) بگیرد. حضرت زهرا (س) که این منظره را تماشا می کرد عرض کرد: یا رسول الله گویا حسن (ع) را بیشتر دوست داری؟

پاسخ داد: چنین نیست، بلکه علت دفاع من از حسن (ع) این است که او حقّ تقدّم دارد و زودتر از حسین (ع) تقاضای آب کرده، باید نوبت را مراعات نمود.

عدم تبعیض بین فرزندان

پدر یا مادر نباید در میان فرزندان، بدون جهت فرق بگذارند و از این طریق حسادت و

کینه توزی را در میان آنان ایجاد نمایند.

رسول خدا (ص) می فرماید: «اعدلوا بین اولادکم كما تحبون ان يعدلوا بینکم فی البرِّ واللطف».

در میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید، همانگونه که دوست دارید دیگران در مورد شما به عدالت و محبت رفتار کنند.

حضرت فاطمه (س) در پرورش فرزندان عزیز خود طوری رفتار می کرد که همه را از عدالت پروری خویش خشنود می ساخت و با عواطف محبت آمیز مادری تک تک آنان را به این صفت انسانی و اسلامی تشویق می کرد.

روزی دو فرزند دلبنده فاطمه (س)، حسن و حسین (ع) در حضور پیامبر خدا (ص) کشتی گرفته بودند، در این میان فاطمه (س) شنید که پدر بزرگوارش، امام حسن (ع) را به پیروزی بر امام حسین (ع) ترغیب می کند، حضرت زهرا (س) بر اساس روح دادگری عرض کرد: پدرجان! فرزند بزرگ را علیه فرزند کوچک تحریک می کنی؟ رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: تو اطلاع نداری که برادرم جبرئیل حسینم (ع) را بر حسنم (ع) تحریک می نماید.

اگر چه رسول خدا (ص) در برابر تحریک جبرئیل (امام حسین (ع) را علیه امام حسن (ع) تحریک می کرد) امام حسن (ع) را علیه امام حسین (ع) ولی در ظاهر، حضرت فاطمه (س) را تحریک می کرد. از آن اطلاع نداشت و لذا به صورت سؤالی خواسته اش را مطرح ساخت و روح دادگریش را در مورد فرزندان نشان داد.

و در یک قضیه ی دیگر آمده است: روزی امام حسن (ع) با امام حسین (ع) در کنار یکدیگر مشغول نوشتن خط بودند و هر یک بر دیگری می گفت: خط من بهتر از خط تو است و سرانجام داوری

را به مادرشان موکول کردند، ولی آن حضرت برای اینکه دل هیچ کدام را نشکنند، از داوری خودداری کرد و موضوع را به امیرالمؤمنین (ع) موکول نمود. امیرالمؤمنین (ع) این قضیه را به پیامبر خدا (ص) و آن حضرت نیز به جبرئیل و به ترتیب، کار داوری به اسرافیل و در نهایت به خدای عالمیان کشیده شد.

جبرئیل از جانب خدا ابلاغ کرد، که فاطمه (س) باید بین آن دو داوری کند. آن مادر مهربان و دادگر فرمود: ای فرزندان عزیزم! من دانه های این گردنبند را در میان شما به زمین می ریزم، هر کس بیشتر آنها را بردارد خط او بهتر است. بلافاصله گردنبند را از گردنش باز کرد و دانه های آن را در برابر دو نور دیده اش به زمین ریخت و جبرئیل به امر الهی این منظره ی زیبا را تماشا می کرد، چون آن نور چشمان زهرا (س)، هر کدام به طور مساوی دانه ها را برداشتند، جبرئیل به امر خدا آن یک دانه باقیمانده را دو قسمت کرد و هر کدام یک نصفه را برداشت و دل هیچکدام شکسته نشد.

این دو قضیه که نمونه ای از صدها جریان دادگری فاطمه (س) با فرزندانش می باشد، می رساند که حضرت طوری عمل کرد، که نور دیدگانش ضمن کمال یابی و کمال جویی، نسبت به همدیگر بسیار مهربان و دلسوز باشند، و در برخورد و رفتار خانوادگی احترام یکدیگر را حفظ کنند.

به همین جهت بود که امام حسین (ع) احترام خاصی به امام حسن (ع) می گذاشت و در حضور او صحبت نمی کرد. (ما تکلم الحسین بین یدی الحسن اعظاما له ...) و به خواهرش زینب (س) فوق العاده علاقه مند بود

و به احترام او- با اینکه کوچک تر از او بود- از جایش بلند می شد. و همچنین محبت و احترام متقابل زینب به برادرانش ...

برخوردار نمودن فرزندان از عواطف پاک مادری

در یکی از روزها بلال در نماز صبح تأخیر کرد و از آن ماند، پیامبر (ص) به او فرمود:

«ما حبسک؟ فقال: مررت به فاطمه (س) و هی تصلحن و الصبیّ یبکی فقلت لها ان شئت کفیتک الریحی و کفیتنی الصبی و ان شئت و ان شئت کفیتک الصبی و کفیتنی الریحی فقالت: انا ارفق با بنی منک فذاک حبسنی فقال فرحمتها رحمک اللّٰه.»

«چه چیز تو را ننگه داشت و مانع شد؟ عرض کرد برخورد به فاطمه (س) کردم در حال آسیاب کردن بود و پسریچه اش گریه می کرد به او گفتم: اگر بخواهی من عهده دار آسیاب کردن می شوم و تو عهده دار بچه، اگر هم بخواهی من بچه را ننگه می دارم و تو آسیاب نمودن را انجام دهی، فرمود: من از تو به پسر مهربانتر و مناسبترم، این کار مرا ننگه داشت. پیامبر اکرم (ص) فرمود: پس تو به فاطمه (س) مهربانی کردی خداوند تو را رحمت کند.»

امید دادن به فرزندان در اجابت خواسته های مشروع

حضرت فاطمه (س) در برخورد با فرزندانش کاملاً مراقب بود و نکات تربیتی را خیلی خوب رعایت می کرد. خواسته های فرزندان را به گونه ای پاسخ می داد که آنها احساس کمبود و یا حقارت در خود نکنند.

به عنوان مثال، روایتی است از شیخ مفید^۱ که حضرت ثامن الائمه (ع) فرمود:

روزی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) از کهنگی لباس خود به مادر شکایت کردند و ایام عید نزدیک بود، گفتند: ای مادر! اطفال عرب به انواع جامه های فاخر مزین

گشته اند و به آن مفاخرت می نمایند. شما چرا از برای ما لباس نو تهیه نمی کنید؟

فرمود: عزیزانم من در اندیشه ی شما هستم و امیدوارم که تا هنگام عید خیاط لباسهای شما را دوخته به شما برساند. آن دو بزرگوار منتظر بودند تا آنکه شب عید شد، باز همان لباس نو را مطالبه کردند.

حضرت فاطمه (س) ایشان را تسلی داد. و به گوشه ای آمد از روی خضوع و خشوع دست نیاز به درگاه خداوند بلند کرد و عرض کرد: ای خدای مهربان تو قادری دل فرزندان مرا خوش نمایی به جامه ای، که من به ایشان وعده داده ام به امید فضل تو. هنوز سخنان فاطمه (س) تمام نشده بود که شخصی در خانه را زد، فاطمه (س) پشت در آمد، فرمود:

کیستی؟ عرض کرد، منم خَیاط، جامه های حسنین (ع) را آورده ام. فاطمه ی زهرا (س) دید شخصی بقچه ای در زیر بغل دارد و تسلیم آن بانو نمود، چون آن را گشود، دید دو عمامه، دو دراعه، دو قبا و دو جفت موزه حضرت صدیقه (س) زبان به شکر و ثنای رب گشود.

فرزندان عرض کردند: ای مادر هیچیک از کودکان عرب لباسی بدین لطافت ندیده اند و پوشیده اند در آن اثنا رسول خدا (ص) تشریف فرمای سرای فاطمه (س) شد و حسنین (ع) را در بر گرفت و می بوسید. پس، فرمود: ای فاطمه (س) این خیاط را شناختی عرض کرد: به خوبی او کسی را ندیدم. حضرت فرمود: آن خازن بهشت بود و تا این قصه را به من خبر نداد به آسمان عروج ننمود.

مطلبی که از این حدیث برداشت می شود، اینکه: امید به

فضل خداوند در انسان همیشه باید زنده باشد و و نباید از درگاه خداوند ناامید بود، اگر انسان از خداوند بخواهد و طلب کند خداوند اجابت می کند و بندگانش را ناامید از درگاهش برنمی گرداند.

و مطلب دیگر که بسیار مهم است: برخورد حضرت، با فرزندان را نشان می دهد، اینکه حضرت به فرزندش دم از فقر و نداری نمی زند که بدین وسیله به روحیه ی فرزندان ضربه وارد نشود و احساس کمبود و عقده ی حقارت در خود نکند. بلکه فرزندان را هم با امیدواری به اینکه در آینده، به زودی خواسته شان برآورده می شود، شاد و خوشحال می کند.

توجه به حضور و غیاب فرزندان

بی توجهی نسبت به نظارت بر فرزندان بخصوص در رفت و آمدهای آنها نتایج زیانباری به دنبال دارد. با توجه به خطرات و تهدیدهایی که هر لحظه سعادت یک جوان را در معرض نابودی قرار می دهد، لازم است رفتار آنها به ویژه موقع ورود به خانه و زمان خروج از آن مورد دقت و بررسی قرار گیرد. گفتنی است که اعتیاد، فساد، انحرافات فکری و بسیاری از خطرات دیگر، از همین بی توجهی پدر و مادر آغاز می شود. حضرت فاطمه (س) با فداکاری و محبت خاصی که نسبت به فرزندان نشان می داد، مراقب تمام حرکات و سکنات آنها بود و به دقت رفت و برگشتهای آنها را زیر نظر داشت. نقل شده است که روزی

پیامبر (ص) عازم خانه ی دخترش فاطمه (س) گردید، چون به خانه رسید دید فاطمه (س) مضطرب و ناراحت پشت در ایستاده است.

آن حضرت فرمود: چرا اینجا ایستاده ای؟ فاطمه (س) با آهنگی مضطرب عرض کرد: فرزندانم صبح بیرون رفته اند و تاکنون از آنها هیچ

خبری ندارم. پیامبر (ص) به دنبال آنها روان شد چون به نزدیک غار کوه رسید آنها را دید که در کمال سلامت و آرامش مشغول بازی اند آنها را بر دوش گرفت و به سوی خانه فاطمه (س) روانه شد. این واقعه خود نمونه ای گویا از توجه و اهمیت دادن حضرت زهرا (س) به حضور فرزندان خردسالش بود.

آموزش ایمان و تقوی به فرزندان

اشاره

بین دانشمندان بحث و گفتگو است که برنامه ی تعلیمات و تربیت های دینی از چه موقعی باید درباره ی کودک اجرا گردد، گروهی معتقدند که کودک تا به حد بلوغ و رشد نرسد استعداد درک افکار و عقائد دینی را ندارد و نباید تحت تربیت دینی قرار گیرد.

گروه دیگری عقیده دارند که اطفال نیز لیاقت و استعداد آن را دارند که تحت تربیت دینی قرار گیرند، و مرئیان می توانند موضوعات و مطالب دینی را ساده و قابل فهم نمایند و به کودکان تلقین کنند، و آنان را وادار کنند که اعمال و برنامه های آسان دین را انجام دهند تا گوششان با مطالب دینی آشنا شود و با اعمال و افکار دینی نشو و نما کنند.

اسلام نظریه ی دوّم را می پذیرد، و دستور می دهد که کودکان را از سن هفت سالگی به نماز وادار کنید. پیغمبر اکرم (ص) تلقینات دینی را از همان اوائل کودکی و شیرخوارگی در خانه ی زهرا (س) به مرحله اجرا در آورد. هنگامی که امام حسن (ع) به دنیا آمد و او را خدمت رسول اکرم (ص) بردند، وی را بوسید و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت و درباره ی امام حسین (ع) نیز همین عمل را انجام داد.

امام صادق

ص: ۵۴

(ع) می فرماید: روزی پیغمبر اسلام (ص) می خواست نماز بخواند. امام حسین (ع) پهلویش ایستاده بود، وقتی پیغمبر (ص) خواست تکبیر بگوید، حسین (ع)

نتوانست تکبیر بگوید. رسول خدا (ص) تا هفت مرتبه تکبیر را تکرار کرد تا حسین (ع) توانست تکبیر بگوید.

تشویق فرزندان به مسائل دینی و عبادی

یکی از محورهای اساسی که حضرت زهرا (س) بدان توجه و تأکید داشتند، بعد پرستش و گرایش فرزندان به انجام تکلیف عبادی و الهی بود. آن حضرت شوق بندگی و خضوع در برابر معبود را از همان دوران کودکی در جان فرزندان خود تقویت نموده و آنان را چنان تربیت کرد که بهترین کارها را عبادت خداوند دانسته و از آن بالاترین لذتها را می بردند.

دخت گرامی رسول خدا (ص) بر این مطلب تأکید داشت که بچه ها را از کودکی به انجام تکالیف فراخواند و آنان را به خدا پیوند دهد و بذر محبت و ارتباط با معبود را در کام آنان بیفشاند تا انجام تکلیف برای آنان نه تنها رنج و مشقتی نداشته باشد، بلکه با شوق و اشتیاق به استقبال آن بروند.

بر این اساس فاطمه (س) فرزندان خود را حتی به شب زنده داری عادت می داد. البته او شیوه تربیت را به خوبی می دانست و به گونه ای برخورد می کرد که در حدّ توان و استعداد فرزندان باشد. حضرت، در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان کودکان خود را به بیداری و نخفتن وادار می کند. ممکن است کسی تعجب کند که او چگونه بچه ها را به این کار که حتی برای اشخاص بزرگ هم زحمت دارد، فرا می خواند. حضرت در روز، بچه ها را می خوابانید تا کاملاً استراحت کنند و غذای کمتری

به آنان می داد تا بدین گونه زمینه و موقعیت بهتر و مطلوب تری از نظر جسمی و روحی برای شب زنده داری داشته باشند. او به حدی در این کار جدی و قاطع بود که نمی گذاشت احدی از اهل خانه خوابش ببرد و می فرمود: "محروم است کسی که از برکات شب قدر محروم بماند."

گویا فاطمه (س) می خواهد از کودکی در قلب پاک فرزندان خود جمال خدا را به تجلی، جان و زبانشان را به حلاوت و شیرینی عبادت آشنا کند، محبوب راستین را به آنان نشان دهد تا در جوانی جذب جلوه های دروغین نشوند. این روش تربیتی فاطمه (س) به عنوان یک سنت بسیار پسندیده و قابل اجرا در گفتار امامان معصوم □ نیز به چشم می خورد.

مأنوس نمودن فرزندان به مسجد و دقت در گفتار پیامبر (ص)

روزی حضرت زهرا (س) به فرزندش حسن (ع) که هفت ساله بود فرمود:

«به مسجد برو، آنچه را از پیامبر (ص) شنیدی فراگیر و نزد من بیا و برای من بازگو کن». امام حسن (ع) همین کار را کرد و بعد به خانه بازگشت و با سخنانی شیرین خود بیانات پیامبر (ص) را برای حضرت زهرا (س) بیان نمود. هر وقت علی (ع) وارد خانه می شد.

حضرت زهرا (س) را حافظ آیاتی از قرآن که تازه نازل شده بود می یافت، می پرسید: این آیات و علوم تازه را از کجا دریافت کردی؟ می گفت: «از پسر حسن (ع)».

روزی حضرت علی (ع) در خانه مخفی شد، حسن (ع) وارد گردید و آنچه را از پیامبر (ص) در مسجد شنیده بود در ضمن سخنانی برای مادر تعریف کرد، ولی این بار در سخنانی خود گیر می کرد، فاطمه (س) تعجب

کرد، حسن (ع) گفت: «مادرم، شخص بزرگی سخن مرا می شنود، و همین موجب کندی زبان من شده است»، در همین هنگام علی (ع) از مخفیگاه بیرون آمد و پسرش را بوسید.

تعلیم فرزندان به نوع دوستی و رعایت حقوق همسایگان

از جمله روشهای تربیتی حضرت فاطمه (س) نوع دوستی او بوده است، که در برابر چشمان تیزبین فرزندان، به مردم کمک می کرد و خود گرسنه می ماند، ولی دیگران را سیر می نمود.

فاطمه (س) گرنبندش را به فقرا ایشار کرد و آنان را مورد نوازش قرار داد و از پول آن پارچه ها خریداری شد و برای بی لباسها، لباس مناسب تهیه گردید... و پرده های خانه اش در اختیار پیامبر خدا قرار گرفت و از آن عریانها پوشانده شد و حدیث «فاطمه بضعه منی» در حق آن حضرت صادر گشت.

آن حضرت نه تنها در مسائل اقتصادی و رفع مشکلات روزمره ی مردم پیشگام بود، حتی از نظر اخلاقی، عواطف انسانی، ارشاد، هدایت مردم نیز به کمک آنان می شتافت،

مصلح مردم را پی گیری می کرد، در حقشان دعا می فرمود و از این طریق فرزندان خویش را با چنین عواطف اسلامی پرورش می داد.

حضرت امام حسن (ع) می فرمایند: شبی مادرم را دیدم که تا صبح به عبادت پرداخت و مرتب مؤمنین و دیگران را دعا می کرد، ولی در حق خود ساکت بود. از علت آن پرسیدم، فرمود: اول همسایه، سپس خودمان.

شبهه این حدیث از امام موسی بن جعفر (ع) صادر گردیده و نشان می دهد که آن حضرت تا چه حدی سوز اجتماعی و نوع دوستی داشته است و دیگران را بر خود و خودی ها مقدم می داشت.

و در یک قضیه ی تاریخی دیگر آمده است، که فاطمه ی زهرا (س) همچون

امیرالمؤمنین علی (ع) برای بهبودی حسن و حسین (ع) از مریضی، سه روز روزه نذر کرده بود و هنگام انجام دادن آن، مجبور شد برای یک نفر یهودی بنام «شمعون» در خانه خودش کار استیجاری نموده و از اجرت آن نان جو تهیه نماید ...

چنانچه در تفسیر سوره ی هل اتی (دهر) آمده است فاطمه و علی (ع) و دیگر خانواده ی او سه روز روزه گرفتند و هر شب موقع افطار غذای خویش را به ترتیب به: مسکین، یتیم، و اسیر دادند و همین سوره در مناقب آن حضرت و سایر اهل بیت علیهم السلام نازل گشت ...

اگر امام حسن (ع) سه بار اموالش را با فقرا تقسیم نموده و دوبار خلع ید کرده است. در دامان پر مهر و انسان ساز فاطمه (س) پرورش یافته ... «خرج من ماله مرتین و قاسم الله ثلاث مّرات ماله» و همچنین فرزندان دیگرش که جای بحث آن نیست.

توجه به سلامتی فرزندان

یکی از عوامل مؤثر در سلامت و نشاط روحی و جسمی کودک، تغذیه سالم، حلال و دوست داشتنی برای او یعنی شیر مادر است. که البته این امر، تأثیرگذار در شخصیت

انسانهای بزرگ می باشد. با دقت در سیره ی فاطمه ی زهرا (س) در می یابیم که امر تغذیه ی کودکان دقیقاً مورد توجه ایشان بوده است. علاوه بر این نباید از تأثیرگذاری متقابل روح و جسم غافل بود، بی شک یک جسم بیمار روح را پژمرده و بی نشاط می سازد، همانگونه که روح افسرده موجب اخلال در فعالیتهای بدن می گردد. بارها در تاریخ خوانده ایم که گاه فاطمه ی زهرا (س) شکم فرزندان را به قیمت گرسنگی خود سیر می کرد. زمانی که

مسلمانان به علت کمبود آب سخت در مزیقه بودند فاطمه (س) حسن و حسین (ع) را نزد پیامبر برد و عرض کرد ای رسول خدا (ص) فرزندان من خردسالند و تحمیل تشنگی ندارند پیامبر (ص) که نگرانی دخترش را در این رابطه بجا و بموقع دید زبان مبارکش را در دهان حسن و حسین (ع) قرار داد و با تر کردن دهان آنها حضرت زهرا (س) را از نگرانی درآورد و آن دو طفل کوچک را نیز از تشنگی مفرط نجات داد. یکی از وظایف والدین به ویژه مادر مراقبت از سلامتی جسمی فرزندان است. حضرت زهرا (س) به عنوان مادری نمونه در این مورد نیز حساسیت خاص داشتند که نمونه ای از آن در قصه ی سوره ی هل اتی و مریضی حسنین (ع) و نذر سه روز روزه ی فاطمه (س) برای بازگشت سلامتی و صحت به فرزندان خود می باشد.

خلاصه ی درسهایی از برنامه های تربیتی حضرت زهرا (س) نسبت به فرزندان

- ۱- مادر باید با کودک خود مأنوس باشد و با آنان بازی کند.
- ۲- در حین بازی، یکی از بهترین شرایط برای یادگیری کودک است.
- ۳- مادر باید در هنگام بازی با کودک به او مطالب اخلاقی را تعلیم دهد.
- ۴- یکی از بهترین راهها برای آموزش کودکان استفاده از شعر است.
- ۵- استفاده از شعر برای کودکان جالب و برای فهم و درک مطالب او مفیدتر است.
- ۶- مریتان و مادران باید به محتوای اشعار کودکان توجه جدی داشته باشند.
- ۷- در اشعار و ادبیات کودکان، باید آنان را دعوت به نیکی های اخلاقی و پیامهای عالی اخلاقی کنیم.
- ۸- در شعر کودکان باید به او الگو معرفی شود. (إِشْبَهُ أَبَاكَ).

۹- در

ص: ۵۹

تعلیمات کودکان باید آنان را با دستورات اخلاقی آشنا نمود. حضرت زهرا (س) سه دستور اخلاقی داشتند.

۱۰- در ضمن سفارشات اخلاقی مثبت باید کودک را از همنشینی های سوء نیز پرهیز داد. چون حضرت زهرا (س) یک پرهیز اخلاقی هم در شعرها داشتند.

۱۱- ما نیاستی کودکان را کم ظرفیت و غیر مستعد، برای تعلیم مطالب جدی و اساسی بدانیم، چنانکه دیدیم حضرت زهرا (س) مطالبی اساسی را به فرزندان خود تعلیم می دهد.

۱۲- مادران باید از همان کودکی به تلقینات مثبت اخلاقی به کودک و آموزش آنها توجه کنند، چنانکه فاطمه ی زهرا (س) از همان کودکی حق طلبی، عبادت و ... را به کودکان خود آموزش می دادند.

۱۳- برای تربیت کودکان باید از سبکهای هنری و ذوقی استفاده کرد. چنانکه حضرت زهرا (س) از شعر برای بازی با فرزند خود بهره گیری می نماید.

۱۴- در مقایسه ی دو شعری که حضرت زهرا (س) برای امام حسن (ع) و امام حسین (ع) می خوانند فهمیده می شود این دو کودک دارای روحیات متفاوت از همدیگر بودند و حضرت زهرا (س) به عنوان بهترین مادر، این تنوع و تفاوت در روحیات و شخصیت کودکان خود را تشخیص داده بود و در تربیت آنان این تفاوت را ملاحظه می نموده است شعر حضرت زهرا (س) برای امام حسین (ع) این است:

أَنْتَ شَبِيهُ بَابِي

لَسْتَ شَبِيهَاً بَعْلِي

حسین جانم تو، به پدرم رسول الله شباهت داری نه به پدرت علی.

یاد فرزندان در بستر شهادت

حضرت فاطمه (س) آن چنان به بچه هایش علاقه مند بود، که حتی نسبت به ایام بعد از خود نیز حساس بود و به امیرالمؤمنین علی (ع) که شوهر معصوم آن حضرت و پدر

معصوم فرزندان او می باشد، سفارش بچه هایش را می کرد.

فاطمه (س) در بستر بیماری که سرانجام به شهادت و ارتحال آن حضرت انجامید، در مورد بچه هایش دو نوع وصیت کرد: نخست در مورد انتخاب همسر، که به بچه های فاطمه (س) مهربان باشد. دوم برخورد محبت آمیز امیرالمؤمنین (ع) با آنان و اینکه علی (ع) از هر دو شب یک شب را در کنار بچه های داغ دیده فاطمه (س) بخوابد. اینکه به متن هر دو وصیت می پردازیم:

«قالت فاطمه: اوصیک اولان ان تتزوج بعدی ابنه اختی امامه فأنها تکون لولدی مثلی ...»

فاطمه ی زهرا (س) به علی (ع) وصیت کرد، که بعد از من با دختر خواهرم امامه ازدواج کن، زیرا او به فرزندانم مثل من مهربان است ...

و در مورد فراز دوم آمده است که چون علی (ع) به بالین فاطمه (س) آمد، او را در حالت احتضار دید، و لذا خطاب به فاطمه (س) گفت: ای فاطمه! با من، پسر عمویت علی بن ابیطالب (ع) حرف بزن. در این حال آن حضرت چشمانش را باز کرد و به سوی امیرالمؤمنین (ع) نگاه کرد و گریه نمود و علی (ع) نیز شروع به گریه کرد. فاطمه (س) گفت: یا علی! من در آستانه ی مرگ قرار گرفته ام و چاره ای از آن نیست و اینکه می دانم بعد از من باید ازدواج کنی.

«فان تزوجت امرأه اجعل لها یوماً، و اجعل لاولادی یوماً و ليله، یا ابالحسن! و لاتصح فی وجوهما فیصبحان یتیمین غریبین منکسرین فانهما بالامس فقدا جدهما والیوم یفقدان امهما ...»

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

